

1-866-980-9977

122 w.15th st.North Vancouver.BC.Canada

صرافی سلامت
www.salamat.ca

ارسال دلار به ایران و بالعکس - سریع و قابل اطمینان

دکتر عزیزه اسگری

AZIZEH ASGARI M.D.
Obstetrics & Gynecology

جراح و متخصص بیماریهای زنان و زایمان

16661 Ventura Blvd # 309 Encino Ca 91436

(818)995-6046

از انتشارات ایران چاپ

\$0.25

عصر امروز

Tel: (818) 783-0000 www.asreemrooz.com

اتو استیگلر با ۵ سال سابقه

STIEGLER, INC.

فروشنده بیشترین اتومبیل های مرسدس بنز به جامعه ایرانی



John J.R Stiegler

خوشحال است عرضه کننده بهترین سرویس و خدمات بعد از فروش به مشتریان ایرانی باشد

(818) 788-0234

16721 Ventura Blvd, Encino

Vol 18, No:4009 Fri 07 Oct 2005 Tel: (818) 783-0000 *** Fax: (818) 783-3679 Email: info@asreemrooz.com

سال هجدهم - شماره ۴۰۰۹ جمعه پانزدهم مهر ۱۳۸۴ (نشره روزانه ایرانیان خارج از کشور)



رژیم، گارد ویژه نیروی انتظامی، با نمایشی مقابله با شورش، دانشجویان و مردم را به استهزار کشیدند

تسویه حساب دبیر مجمع
تشخیصی مصلحت نظام با حریفان!

رستوران جوان

۱۱۵۰۰ سانتامونیکا بلوار

از چهارشنبه تا شنبه با پیانوی داریوش عباسی
دلپوری تا شعاع سه مایل مجانی

۵۵۵۵ - ۲۰۷ (۳۱۰)

www.javanRestaurant.com

هشدار شدید الحن نخست وزیر انگلستان به حکومت ایران

یا جمهوری اسلامی سربازان انگلیسی را کشته اند یا مزدورانشان، حزب الله لبنان

۴۰ میلیارد تومان برای جاده ظهور "امام زمان" رییس جمهور اعتبار مالی تازه ای برای اتهام طرح قم تاجمکران اختصاص داد

برنامه اتمی زیر نظر ارتش و یا سپاه؟ فعالیت اتمی رژیم از توصیه های فرماندهای سپاه بوده است

خزان مهرگان، در وودلی پارک گل داد

برای زیباتر شدن با آرتیستایری

در مرکز جراحی زیبایی دکتر جورج بوریس تماس بگیرید

جراحی زیبایی بینی - کشیدن پوست صورت - برداشتن خطوط صورت - عمل پلک های چشم - کوچک و بزرگ کردن سینه بوتاکس و کالوزن - گذاشتن چانه و گونه - تمامی تآک - برطرف کردن مشکل خرخر - لایپوساکشن و شکل دادن به اندام

Tel: 1-800-893-7788

چاپ دوم کتاب ناگفته های شنیدنی

نویسنده: علی اکبر فزایان

منتشر شد بهانه چاپ دوم

با سپاس و امتنان از همه یاران و عاشقان ایران و علاقمندان به تاریخ و سرنوشت کشور آریایی و سرفرازمان، از همه دوستانم اعم از ایرانی و آمریکایی که با لطف و محبت فراوان و استقبال بی نظیر از این کتاب، موجبات تشویق و ترغیب مرا برای چاپ دوم این کتاب - در دو جلد - فراهم آوردند. قابل ذکر است که در چاپ دوم بسیاری از مطالب خواندنی و شرح وقایع مهم تاریخی که تاکنون مکتوم مانده اند، همچنین اسرار ناگفته ای که ضرورت و افشاء آن ها فرا رسیده، گنجانده شده است.

کلبه سبز

رستوران خانوادگی شما

برنامه های شاد جمعه و شنبه رستوران کلبه سبز

بارکستر شاد آریس و آن و گروه کلاسیک و رقص عربی با شام و سه نوع پیش غذا شروع برنامه ۹ شب

۲۰۰۲ و نتورا بلوار بین کوربین و وینکا در شهر وودلی

۸۸۱۵ - ۸۸۸ (۸۱۸) تلفن

دکتر رضا کلاثری نژاد

متخصص و جراح چشم

اگر بیش از چهل سال دارید و برای خواندن عینک میزنید من می توانم با انجام عمل مدرن و جدید Light Touch Ck با استفاده از امواج رادیویی و بدون برش روی قرنیه با استفاده از لیزر پیرچشمی شما را فقط در چند ثانیه اصلاح نمایم و جوانی را به چشمهای شما بازگردانم

پشتوانه من تجربه صدها جراحی موفق است که تاکنون انجام داده ام برای مشاوره رایگان و تعیین وقت با مطب من در آسنیتوماس بگیرید

Tel: (818) 380 - 9193
888-88EYE MD
16661 Ventura Blvd # 608

وودلند هیلز مارکت

افتخار دارد با عرضه کردن بهترین و سالم ترین مواد غذایی از قبیل گوشت، مرغ و ماهی و سبزیجات تازه و مرغوب، خوار و بار و لبنیات در خدمت هموطنان عزیز باشد

کباب و جوجه کباب بانان داغ یادت نره

ساعات کاری: هفت روز هفته ۸ صبح تا ۹ شب

آدرس: ۱۹۹۶۴ و نتورا بلوار در شهر وودلند هیلز

تلفن: ۴۴۷۷ - ۹۹۹ (۸۱۸)

ثریا رسمی نماینده بیمه

ارائه مناسبترین نرخ های بیمه: سلامتی - دندان - عمر - اتومبیل - تجاری - منزل و زلزله و نیز بیمه افراد ۶۵ سال به بالا

۱۴۴۴ - ۶۰۰ (۳۱۰) ۷۳۱ - ۸۱۸۳ (۸۱۸)

رستوران شمال

چلوکباب - چلوخورشت و غذاهای شمالی

از ۲شنبه تا جمعه نهار مخصوص ۶/۹۹

برنامه آخر هفته با موزیک زنده و صدای خوش جمشید مجدو رقص قاسم آبادی و عربی و بندری

کیتترینگ و دلپوری تا ۳ مایل مجانی

19548 Ventura Blvd, Tarzana CA 91356

Tel: (818) 609-9988

دکتر حسین اشراقی

استاد دانشگاه تهران و دانشگاه UCLA

دارای بورده تخصصی از آمریکا

تشخیصی و درمان:

پولیپ و سرطان روده بزرگ، زخم معده و اثنی عشر دردهای شکم، بواسیر، بیماریهای کبد و کیسه صفرا اندوسکوپ معده و روده

۷۰۷۰ - ۵۰۰ (۸۱۸)

رستوران شیراز

باغذاهای متنوع و سرویس عالی

پنجشنبه شبها موسیقی امیل ایرانی با صدای دانشین پژمان باقری جمعه و شنبه شبها با وجود نوازنده کیبورد و خواننده معروف

شنبه شبها همراه با رقص زیبای عربی

15472 Ventura Blvd
(818) 789-7788

دلپوری مجانی تا شعاع ۲ مایل

www.asreemrooz.com

حرفهای روز

از: عباسی پهلوان

تلفن مستقیم سردبیر
۲۸۴۹-۷۸۳ (۸۱۸)



نوشته: شهرام همایون

افسوس آن سال ها

سالیان سال است که از ایران دوریم. سرزمینی که در یکی از کوچه باغ های باصفای در خانه ای سنتی، با آجرهای بزمی، چشم به جهان گشودم. مدرسه ای بود و مدیری و ناظمی و همکلاسی های مهربان که در غم نوشتن مشق شب، با هم شریک بودیم.

چه بسا، که لوانگ آروی خود را با مشت از نخود و کشمش های هم کلاسی خود، تقسیم می کردیم. رنگ تفریح، در حیاط بزرگ مدرسه- در پی توپ راه راه قرمز رنگی که حالا دیگر سوراخ هم بود- از این سو به آن سو می دویدیم.

محلّه ی ما خوار و بار فروشی هم داشت. همان مرد سیاه چرده و سپید مویی که نه تنها قند و شکر را بدون کوبن به ما می داد، حتی پولش را هم طلب نمی کرد و فقط خطی به چوب ما می افزود و تازه سفارش می کرد که سلام گرمش را نیز به پدر برسانیم.

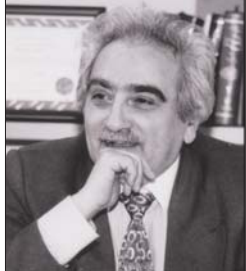
محلّه ی پاسبانی هم داشت. گاهی که سر و صدای بازی ها و شیطنت ها یمان به شلوغی می کشید با چوب دستی اش (باتوم) آرام به پشتمان می زد که: کمی یواش همسایه ها خوانند. همسایه ها، اما- بی آنی که از سر و صدای بچه ها در ظهر باستان بچه ها در عذاب بودند- ساامان را با گرمی پاسخ می دادند.

وقتی کاسه ی شله زرد نذری مادر را در حیاطشان می بردیم، چه گرم بود احوالپرسی همسایه ی کلیمی ...

"آوانس" در محلّه ی ما مشروب نمی فروخت او یک ساندویچ فروشی کوچک داشت - که مزه لوبیا پخته های گرمش، همراه با نان "بلوکی" - هنوز زیر زبان ماست.

عاشورا به سینه زنی می رفتیم. شب تولد امام زمان، کوچ را آذین می بستیم و از اهل محلّه پول جمع می کردیم. همسایه ها، مسلمان و کلیمی و مسیحی و زرتشتی و بیابایی، بی حرف و گفتگو، سهم اشان را می دادند. و وقتی عزیزی از اهل محل کم می شد و به سر دیار باقی می شتافت، پینه ها - بر سر خدمات رسانی و پخش جای و قند، در مجلس ترحیم - با هم دعا داشتند.

عجب دنیایی داشتیم و عجب شهری ... بعدها، که بزرگتر شدیم. دوره ی دبیرستان شور و حالی داشت. مدرسه های دخترانه را، زودتر از پسرانه، تعطیل می کردند و همین خود در آمدی برای "بابا" های فراش جلوی در مدارس پسرانه بود، که در را برای "بعضی" ها زودتر باز کنند و پسر ها با سرعت خود را به مقابل مدرسه ی دخترانه "اسدی" خیابان زاله (آب سردار) برسانند. چه اضطرابی داشت آن لحظات تا آمدن دختر های ارمنک پوش. آن چشم سیاهی که هنگام راه رفتن، به عمد سر



از خاطرات نه چندان دیر و دور!

پیرروزها، کرکره دفتر را تازه بالا زده و در حال راست و ریست کردن یک لیوان کاغذی چای و ورق زدن روزنامه های صبح بودیم که یکپهو دوست عزیز چهل، پنجاه ساله (بلکه بیشتر) این بنده، سیاوش آذری (روزنامه نگار قدیم و ندیم و باز هم فعال امروزی) در دفتر روزنامه حضور پیدا کرد.

راستش بگفم نفهمی از چنین حضوری آن هم اول صبح کار مطبوعاتی، کمی نگران شدم. چون تا بحال کمتر، یا اصلا ندیده بودم که "سیاوش خان" این طور سر زده سر و سراغی از این بنده بگیرد. (با همه این گرفتاری ها بی که دارد بجای هر فکر و خیالی - با این که فی الغور گفت: از این جا می گذشتم و خواستم دیداری تازه کنم- من به

یاد دوست مشترکمان سیامک پورزند نا زنین افتادم و نگران که میا دا "سیاوش" از او خبر نا جوری داشته باشد و حداقل این که دوباره او را برگرداند و باشند به همان سیاه چالی که پک و پهلوی و گهرش را خرد کرده اند...

سیاوش شنست و از این جا و از آن جا گفت و چای و قهوه نخواست که می گفت: می خواهد برود و من هنوز چهار چشمی مراقب او که: خوش خبر بد چیه؟! این و خوش و خوبی و سراغی از این و آن دوست و با خوشحالی از آمدن محمد عاصمی عزیزمان

خبر گرفت که چطور او را ببیند و بعد هم بلند شد و خداحافظی کرد و رفت و مرا همچنان با خیال "سیامک" و این که الحمدلله خبر نا جوری از او در میان نبوده است، تنها گذاشت. همچنان که سیامک نیز (با آن همه دوست و آشنا و فامیلی که داشت و دارد) در ایران تنهاست. دختران و برادر و خواهر زاده ها دوستان و فامیل همه در خارج از کشورند. اما به نقل از او شنیده بودم که به یکی از دوستان که به احوالپرسی

یک گیلاسی ودکا در ترکیه؟



بقیه در صفحه ۵

از او پرسیدم: تو بدالله قهه کشتی هستی؟! با همان پر رویی و صراحت جواب داد: بلکه جناب رئیس! به من میگن بدالله قهه کشت، امری داشتید جناب رئیس؟! نمی دانم چطور شد که از کوره در رفتم و چوب تبلیغی را بلند کردم و به گونه اش نواختم و فریاد زدم:

- مرتیکه پدر سوخته، قهه می کشتی، زن و بچه مردم را می ترسانی، امنیت مردم را به هم می زیزی و بعد با کمال پررویی می می گی امری داشتید جناب رئیس؟! ریشه ات را می سوزانم، دستت را می شکنم تا دیگر نتوانی قهه بگیری!

بعد دستور دادم او را به حیاط کلاتری ببرند، به درخت ببندند و با شیلنگ آب او را کتک مضملی بزنند. چون شب شده بود، او را همانجا نگاه داشتم و صبح روز بعد به تمام کلاتری ها تلفن کردم و سوابق او را جمع آوری کردم و مشاهده کرد.

چند روز قبل تعریف میکرد: ساختار شهری و بافت جمعیتی میان "یوسفآباد" (شمال شهر) و "لسلیب" (در جنوب غربی تهران) تفاوت های بسیار عمده داشت. لازم بود کسی به تحقیقت دامنه دار بنشیند تا این تفاوت را احساس کند، فقط کدیری و نظری حتی به وسیله اتومبیل، می شد این تفاوت ساختار شهری و بافت جمعیتی را در دو نقطه پایتخت احساس و مشاهده کرد.

وقتی مرا از ریاست کلاتری یوسف آباد به ریاست کلاتری لسلیب، انتقال دادند، در ته دلم زیاد راضی نبودم. اما به هر حال برای یک نظامی چه در لباس ارتش باشد یا زاندارمری و یا شهربانی، مأموریت، مأموریت است و در نفس کار و اصل وظیفه، تغییری پیش نمی آید. چند روزی که از اقرارم در محل کلاتری تازه می گذشتم، یک روز با مدام، اول وقت تیسار مولوی، رئیس پلیس تهران تلفن کرد و با لحن تند پرسید: "جناب سرهنگ در محل مأموریت شما چه می گذرد؟" این بدالله قهه کشت "کیست که

دیشب امنیت مردم را به هم ریخته، آنها را ترسانده و چند نفر را ضروب و مجروح کرده است؟! متعجب و نگران با تصور این که شاید اشتباهی روی داده، خدمتشان عرض کردم: "قریان تا این ساعت و لحظه، ما هنوز هیچ گزارشی درباره هیچ حادثه ای در لسلیب دریافت نکرده ایم" تیسار مولوی گفت:

- تا زمانی که بدالله قهه کشت را دستگیر نکرده اید، هیچ مأمور کلاتری شما، حق رفتن به خانه اش را ندارد...

و بعد گوشی را زمین گذاشت. تا قبل از سال ۳۲، چاقو کشی و قداره بندی و گذر بستن "از اتفاقات مرسوم و متداول شهرهای ایران، خاصه تهران بود. اما بعد از تحولاتی که در همه زمینه های مملکت پیش آمد، یکی از برنامه های وسیع و بی گیر انتظامی، جمع کردن بساط چاقو کشی ها و کلاه مخملی ها و قداره کشی ها بود. طرح دستگاهه انتظامی مملکت، با سرعت و دقت و درستی انجام گرفت و دیگر، جز در موارد معدود، آن هم در محله بدنام شهر، به ندرت چاقو کشی پیش می آمد، چه رسد به قداره بندی، آن هم در محله پرجمعیت و شلوغی مانند لسلیب تهران...

در هر حال تمام مأمورین کلاتری از پاسبان و افسر را در اقامت احضار کردم و گفتیم تا "بدالله قهه کشت" را پیدا نکرده اید حق ندارید به خانه هایتان بروید. خودم نیز از پشت این میز و کنار این تلفن تکان نمی خورم تا بدالله قهه کشت را در این اتاق ببینم! مأمورین به تکاپو افتادند و جز یکی دو نفر کارمند دفتری، بقیه به سوراخ سینه های پر جمعیت لسلیب رفتند... تازه داشت هوا تاریک می شد که بالاخره افسر نگهبان اطلاع داد قریان "بدالله قهه کشت" را دستگیر کرده ایم. دستور دادم او را به اقامت بیاورند و از فرط خشم چوب تبلیغی را که هیچ وقت به دست نمی گرفتم ولی همیشه روی میزم داشتم، برداشتم و از پشت میز در باز شد و دو پاسبان، در حالی که یک مرد گردن کلفت، بلند قامت و سینه ستبر و یازو کلفت را در میان گرفته بودند وارد اتاق شدند. نگاهی به قد و بالای او انداختم. جوان بود. سیمای ناخنجی هم نداشت. مثل همان کلاه مخملی ما بود که در فیلم های فارسی نشان می دادند. بدون ترس، در میان دو پاسبان ایستاده بود و با لبخند محوی که مرا عیبانی می کرد به من گفت: - امری داشتید جناب رئیس!



پرویز قاضی سعید

جناب سرهنگ "پ" افسر شهربانی، همین چند روز قبل تعریف میکرد: ساختار شهری و بافت جمعیتی میان "یوسفآباد" (شمال شهر) و "لسلیب" (در جنوب غربی تهران) تفاوت های بسیار عمده داشت. لازم بود کسی به تحقیقت دامنه دار بنشیند تا این تفاوت را احساس کند، فقط کدیری و نظری حتی به وسیله اتومبیل، می شد این تفاوت ساختار شهری و بافت جمعیتی را در دو نقطه پایتخت احساس و مشاهده کرد.

وقتی مرا از ریاست کلاتری یوسف آباد به ریاست کلاتری لسلیب، انتقال دادند، در ته دلم زیاد راضی نبودم. اما به هر حال برای یک نظامی چه در لباس ارتش باشد یا زاندارمری و یا شهربانی، مأموریت، مأموریت است و در نفس کار و اصل وظیفه، تغییری پیش نمی آید. چند روزی که از اقرارم در محل کلاتری تازه می گذشتم، یک روز با مدام، اول وقت تیسار مولوی، رئیس پلیس تهران تلفن کرد و با لحن تند پرسید: "جناب سرهنگ در محل مأموریت شما چه می گذرد؟" این بدالله قهه کشت "کیست که

دیشب امنیت مردم را به هم ریخته، آنها را ترسانده و چند نفر را ضروب و مجروح کرده است؟! متعجب و نگران با تصور این که شاید اشتباهی روی داده، خدمتشان عرض کردم: "قریان تا این ساعت و لحظه، ما هنوز هیچ گزارشی درباره هیچ حادثه ای در لسلیب دریافت نکرده ایم" تیسار مولوی گفت:

- تا زمانی که بدالله قهه کشت را دستگیر نکرده اید، هیچ مأمور کلاتری شما، حق رفتن به خانه اش را ندارد...

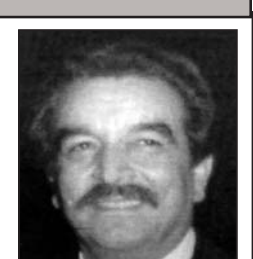
و بعد گوشی را زمین گذاشت. تا قبل از سال ۳۲، چاقو کشی و قداره بندی و گذر بستن "از اتفاقات مرسوم و متداول شهرهای ایران، خاصه تهران بود. اما بعد از تحولاتی که در همه زمینه های مملکت پیش آمد، یکی از برنامه های وسیع و بی گیر انتظامی، جمع کردن بساط چاقو کشی ها و کلاه مخملی ها و قداره کشی ها بود. طرح دستگاهه انتظامی مملکت، با سرعت و دقت و درستی انجام گرفت و دیگر، جز در موارد معدود، آن هم در محله بدنام شهر، به ندرت چاقو کشی پیش می آمد، چه رسد به قداره بندی، آن هم در محله پرجمعیت و شلوغی مانند لسلیب تهران...

در هر حال تمام مأمورین کلاتری از پاسبان و افسر را در اقامت احضار کردم و گفتیم تا "بدالله قهه کشت" را پیدا نکرده اید حق ندارید به خانه هایتان بروید. خودم نیز از پشت این میز و کنار این تلفن تکان نمی خورم تا بدالله قهه کشت را در این اتاق ببینم! مأمورین به تکاپو افتادند و جز یکی دو نفر کارمند دفتری، بقیه به سوراخ سینه های پر جمعیت لسلیب رفتند... تازه داشت هوا تاریک می شد که بالاخره افسر نگهبان اطلاع داد قریان "بدالله قهه کشت" را دستگیر کرده ایم. دستور دادم او را به اقامت بیاورند و از فرط خشم چوب تبلیغی را که هیچ وقت به دست نمی گرفتم ولی همیشه روی میزم داشتم، برداشتم و از پشت میز در باز شد و دو پاسبان، در حالی که یک مرد گردن کلفت، بلند قامت و سینه ستبر و یازو کلفت را در میان گرفته بودند وارد اتاق شدند. نگاهی به قد و بالای او انداختم. جوان بود. سیمای ناخنجی هم نداشت. مثل همان کلاه مخملی ما بود که در فیلم های فارسی نشان می دادند. بدون ترس، در میان دو پاسبان ایستاده بود و با لبخند محوی که مرا عیبانی می کرد به من گفت: - امری داشتید جناب رئیس!

ساده بود و نمی دانستیم؟

این مدت کافی نبوده تا بدانیم که نسخه نوشتن و یا نسخه پیچیدن کار هر کس نیست. حکایت، حقیقتا حکایت همان مورچه ای است که ناگهان قوزی شد. دکتر حدادی نژاد گفت: سال ها پیش در شهر مورچگان یک اتفاق بزرگ افتاد. یکی از مورچه ها یک روز صبح که با صدای قوقولی قوقوی خروسی سحری شهر از خواب برخاست، متوجه شد که یک قوز بزرگ در او روده است. پاک دمق شد و از خجالت در خانه ماند. بالاخره حوصله اش سر رفت و از خانه زد بیرون. اهالی شهر به محض دیدن او به خنده افتادند و به او لقب مورچه قوزی دادند. دلش گرفت و باز به خانه

پناه برد. چون از تنهایی غصه می خورد تصمیم گرفت زن بگیرد. اما هر کجا که می رفت به او می گفتند: دختر به پسر قوزی نمی دهیم! او بیشتر ناراحت می شد. اما بعد از مدتی به این نتیجه رسید که خود را معالجه کند. هر چه داشت فروخت تا خرج دوا و درمان کند. مشکل اول او گرفتن وقت بود منشی یکی از دکترهای معروف شهر به او گفت: باید دو ماه در نوبت باشی. بعد از دو ماه دکتر به او گفت: مشکل شما یک راه حل دارد و آن هم جراحی است. مورچه قبول کرد و دکتر جراحی پس دو میلیون به حساب بنده واریز



محمد سعید حبشی

حکایت ما در غربت، حکایت غربی است. حکایت داخل نشینان هم حکایت غربی است. همه دکتر نشده، نسخه پیچ شده اند. نسخه هایی که باید در کوزه گذاشت و آبش را خورد. بیش از یک ربع قرن هنوز

Grand Opening Anniversary
Happy To Announce
2 Locations To Serve You!

Good from October 5th - October 11th

VALLEY PRODUCE MARKET

<p>SIMI VALLEY 1117 E. Los Angeles Ave (At First St.) 805-583-2300 Mon-Sat 9-8; Sun 9-6</p>		<p>RESEDA 18345 Vanowen (At Reseda Blvd.) 818-609-1955 Mon-Sat 9-7; Sun 9-5</p>	
<p>Romaine 3.99[¢] lb. Limit 9 Heads</p>	<p>Cauliflower 3.99[¢] lb. Limit 5 Heads</p>	<p>Pasilla, Jalapeño, Tomatillo 3.99[¢] lb. Limit 30 lbs.</p>	<p>Limes 20[¢] for 1 lb.</p>
<p>Italian Or Japanese Eggplant 2[¢] for 1 lb. Limit 20 lbs.</p>	<p>Red Bell Pepper 2[¢] for 1 lb. Limit 15 lbs.</p>	<p>Garlic 79[¢] lb. Limit 10 lbs.</p>	<p>10lb. Potato Bag 1³⁵ \$ ea.</p>
<p>Gala Apples 3.99[¢] lb. Limit 25 lbs.</p>	<p>Kiwi 15[¢] ea. Limit 20</p>	<p>Globe Grapes 69[¢] lb. Limit 10 lbs.</p>	<p>Seedless Watermelon 15[¢] lb. Limit 6 Melons</p>
<p>SERVICE DELI Jennie-O Cajun Smoked Turkey Breast 3⁹⁹ \$ lb. Limit 5 lbs.</p>	<p>SERVICE DELI Beef Pastrami 3²⁹ \$ lb. Limit 10 lbs.</p>	<p>SERVICE DELI Kassari Or Gouda Wheel Cheese 3⁹⁹ \$ lb. Limit 5 lbs.</p>	<p>Meat Dept Beef Tongue 1⁸⁹ \$ lb. Limit 5 lbs.</p>
<p>Meat Dept Boneless Chicken Breast 1⁹⁹ \$ lb. Limit 10 lbs.</p>	<p>Meat Dept Beef Short Ribs Or Pork Ribs 1⁶⁹ \$ lb. Limit 10 lbs.</p>	<p>Seafood Dept Whole Catfish 1⁸⁹ \$ lb. Limit 5 lbs.</p>	<p>Seafood Dept Shrimp (Size 26-30) 3⁹⁹ \$ lb. Limit 5 lbs.</p>

ASRE EMROOZ

مدیر: همایون هوشیار / سردبیر: عباسی پهلوان
Tel: (818) 783-0000 Fax: (818) 783-3679

IRANIAN PUBLISHING INC. ASRE EMROOZ.com
16661 Ventura Blvd#212 Encino, CA 91436
Tel: (818) 783-0000 Fax: (818) 783-3679 www.asreemrooz.com

محمد عاصمی - لس آنجلس
پایز آمد، تابستان رفت، به رودی زمستان هم خواهد آمد و پس از آن بهار شکوفا خواهد شد و آنگاه، تابستان...

پایز هم دیری نخواهد پاید و باز زمستان چهره خواهد گشود تا بهار بیاورد او را بتاراند...
و چه بزرگ و با اقتدار است این طبیعت که چنین نظم و به قاعده تغییر شکل می دهد...
دست را به من بده تا با هم به تماشا ی برگ و بار درختان برویم که آتش خزان ی سرخ و زردشان ساخته است و

تماشای خزان

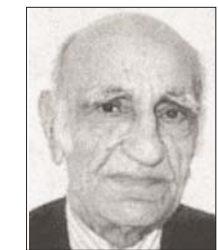
کرده ام و با هر که پیمان بسته ام و پیمان زده ام، در واقع تکرار دردها و تاسف های مکرر را، تجربه کرده ام و دو نکته همواره با من بوده اند: ترس و نکت و ترس.
از نکت و نبرد برای رهایی از هر دو و دریافت این حقیقت که آزادی فقط در رویاهماگن است و زیبایی فقط در

دست را به من بده تا به تماشا ی دست نقاش خزان برویم که این همه رنگها بر باغ ها و بوستان ها و جنگل ها ریخته است و به تماشا یایستیم که شاخه ها با هم نجوا دارند و ریشه با هم به سینه زدند...
شاخه ها و جوانه ها در بالا، با هم و درهم، عاشقانه می پیچند و ریشه ها با هم دشمنانه می سینه زدند...
آه! ای شاخه های سرفراز که سر بر آسمان دارید و خورشید می طلبد و پیوند باد را پذیره اید... طوفان زهم نمی گسلد و رگبار و سیل و صاعقه، پیوندتان را برپار تر می سازد...



بوسه هایبان را گرم تر سازید و نجواهائیان را عاشقانه تر... شاید، این صداقت بی غش، در ریشه ها اثر بگذارد و ستیزشان را از بن براندازد... شاید...

بخشی از سخنرانی استاد دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی نویسنده و مورخ (۲) مشروطیت ایران در مسیر تکاملی تاریخ، از صدها گردنه و بزنگاه نفس گیر گذشته است



در مسیر تکامل تاریخ، از صدها گردنه و بزنگاه گذشته است. و به هر حال با اینکه ده جانس گیر شده، ولی باز خود را تا حد امکان، و شاید هم بیش از حد امکان، به منزل مقصود رسانده است.

مسیر تکاملی تاریخ
مسیر تکاملی تاریخ، در دنبال مشروطیت نیز سیر خود را داشته است. منتهی این سیر تکاملی، مثل منحنی هلیس- گاهی اوقات برای این که سرعت بگیرد- مثل اتومبیل در سربلانی هایی که باید موتور نفس چاقی کند- ناچار یک سراسیمگی نیز در سر راه آن قرار می دهند- اما به هر حال، سیر تاریخ رو به کمال است و رو به بالاست. چنانکه نزدیک بود اعلام جمهوری نیز پانزده سال بعد از صدور فرمان مشروطه صادر شود.

کسی که در امر تاریخ وارد باشد، در دگرگونی های خونین و بی امان، هیچ نخواهد دید، مگر سیر تکاملی تاریخ، سیری که مشروطه قدم اول آن بود و جمهوری قدم دوم آن- هر حادثه در این تحولات پیش آید- هیچ تغییری در اساس نخواهد داد.

این همان جبر تکاملی و ضرورت تبدیل کهنه به نو است. این جبر تکاملی مفسر تمدن بشری و فلسفه تاریخ زندگانی است. (دکتر مهدی پرهام، مجله آینده، اس ۱۰ ص ۶۸۷) مشروطه مقدمه است و جمهوری ذی المقدمه- ولو آن که جمهوری اسلامی باشد.

پس حق نداشت شیخ رئیس قاجار که گفته بود: «مجلس تمام گشت» و تقصیر آن را به گردن سعدی انداخته بودند. بلکه حق با آن کسی بود که جواب شیخ رئیس را داده بود- در همان وزن و قافیه-

مجلس به جای ماند، لیکن، برای شیخ/ من قول می دهم که الخصام گشت/ امخاص خام را چه بسا پخته کرد دهر/ جز شیخ ما- که پخته بود، خام گشت.
شیخ رئیس یاره درانی است بذله گوی/ از هزل گویی است که منفرود عام گشت./ بیت الحرام، محترم استی به کیش ما/ در کیش شیخناست- که بی احترام گشت./ این ناتمام مجلس، کاری به ما نکرد/ ایران به دست بیهوده گویان، تمام گشت./ شیخ رئیس، بوعلی استی، نه این جناب/ اندر مثل، سیه را، کافور، نام گشت./

ادامه دارد

خاصیت شیر بالای مجلس!
می گویند: وقتی وثوق الدوله مشغول «سبک سنگین کردن» کاندیداهای وکالت برای تصویب قرارداد (کذایی) بود- با انتخاب یک تن از یزد سخت مخالفت داشت. به او گفتند: آقا، این آدم خوب یا بد، یک وجهه خوبی دارد و کاندیدای مخالف او بدنام است و بگذارید او انتخاب بشود و گرفتاری در یزد پیش نیاید.

وثوق الدوله باز مخالفت کرد. گفتند: آقا، این آدم تریاکی و بی حال است و اصلا در مجلس نمی تواند عضو فعال باشد. بی خودبیزی خود را در صرف مبارزه با او نکنیم.

وثوق الدوله گفت: شما متوجه نیستید، این محیط مجلس شورای ملی مثل جنگل های مازندران است، یک سوار که امسال از آن راه بگذرد- اگر یک شاخه درخت را که ممکن است به سر او بخورد بشکند و بیندازد روی زمین، سال بعد که این سوار از همان جارد شود- خواهد دید که آن شاخه گسسته که دور انداخته، تبدیل شده است به یک درخت «به قاعده» به قول کرمانی ها- که یکی از ارکان آینده جنگل به شمار خواهند آمد.

خاصیت جنگل های مازندران است. این شیرهای سر بالای سر در مجلس شورای ملی هم خاصیتی دارند- که اگر یک موش از زیر آن بگذرد و داخل صحنه مجلس و سالن رای شود- فردا تبدیل خواهد شد به یکی از همان شیرهایی که بالای «عدل مظفر» ایستاده اند و از آن دفاع می کنند.

حرف وثوق الدوله درست بود. مجلس در طی هفتاد سال کار- هر چند که شیب و فراز بسیار داشت، و هر چند ده و پانزده سال از این عمر هفتاد ساله- یعنی پیش از یک هفتم آن را در فترت های ناگزیر گذراند، با همه این ها(چنانکه گفتیم، چند بار در بزنگاه های تاریخ) به داد مردم ایران رسیده است.

یک کلمه در باب «بزنگاه» هم بگویم: بزنگاه یک اصطلاح مخصوص راهزنان است. آنها که اهل ریاضیات هستند - بهتر از من می دانند که در اصطلاح ریاضی، یک نقطه به نام «نقطه گردنه» هست، و آن محاسبه برآیند نیروهاست در گردنه.
آنها که از بالا می آیند نیرویی دارند که نیروی جاذبه درحکم کمک و یار آنهاست. پس زردها معمولا سرگردنه را انتخاب می کنند. اما کاروان ها که از پایین می آیند - چارپایان و اعضای کاروان، همه خسته و ناتوانند- و نیروی آنها به کلی به هدر رفته است. به همین دلیل بسیاری از چارپایان از خستگی پا زده اند و بسیاری از مردان از نفس افتاده اند.
در همین جاست که فریاد «حسن» ها بلند شود که با با سگ، کورشو! همه ناچار روی خاک می افتند تا دزددها بیایند و بشاه های آن ها را ببینند. این محل را اهل ریاضی نقطه گردنه می گویند. که در کتب ریاضی منحنی آن به شکل زین ترسیم می شود.

مقصود این است که مشروطیت ایران نیز



آشنایی بیشتر با فاجعه ای که در راه است! هدف از حفظ میراث فرهنگی و آثار باستانی و هویت ملت ایران، یک مناقشه سیاسی نیست.

یافته اند که هفت هزار و پانصد سال قدمت دارد و در کنار آن ظرف بزرگی را از زیر خاک بیرون کشیده اند که یک متر و ۲۲ سانتی متر قطر، بیش از یک متر و ۴۰ سانتی متر طول و ۱۲۰ کیلوگرم وزن آن است.
این ها تنها نمونه هایی از آثار به دست آمده به شمار می روند و کارشناسان متفق الوند که با کاوش های بیشتر، آثار ارزشمند تری از گنجینه های نهفته در دل خاک تنگه لاغی و زمین های پیرامون آن می توان بدست آورد.
یک هیات باستان شناس ایرانی- ژاپنی هم که در خرداد ماه امسال تلاش برای نجات آثار تاریخی را شروع کردند، در دو غار باستانی مربوط به دوره پارینه سنگی (۱۰ هزار سال پیش) ابزار های سنگی کشف نموده اند که می تواند به همراه عتیقه های کشف نشده، ما را با چگونگی زندگی ساکنان پیشین این منطقه آشنا سازد.
باستان شناسان ایرانی- فرانسوی نیز در بررسی های خود به کشف یک گورستان باستانی با حداقل ۵۰ گور نیاکان ما موفق شده اند، این گورستان یک هکتار وسعت دارد! به گفته آقای عثمایی، سرپرست تیم ایرانی - فرانسوی اسکلت یک مرد بزرگسال و اسکلت های احتمالی دیگر، همراه با سفال های مدفون شده، می تواند خصوصیات ساکنان پیشین این منطقه، اطلاعاتی پیرامون بیماری های احتمالی، میزان عمر و علت مرگ آنان را روشن سازد.

بقیه در صفحه ۷

در هفته ای که گذشت، کمیته بین المللی برای نجات آثار باستانی دشت پاسارگاد، پیامی انتشار داد که در برخی از رسانه های ایرانی خارج از کشور بازتاب یافت و در «عصر امروز» نیز چاپ شد.
در این پیام، روز مهرگان (هفدهم مهر، برابر با نهم اکتبر) این جشن باستانی، زیبا و پر مفهوم ایرانی را به عنوان روز آشنا ساختن مردمان با فاجعه ای که در راه است و گرفتن امضای پشتیبانی برگزیده است. در این روز کمیته های محلی نجات آثار باستانی دشت پاسارگاد، مقابل موزه ها و یا کتابخانه های شهر های مختلف، میزی برای جمع کردن امضا خواهند گذاشت.
تا لحظه ای که این مطلب را می نویسم بیش از سیزده هزار و چهار صد هفتاد (۱۳۴۷۰) تن به صورت الکترونیکی و پنج هزار و هشتصد و ده (۵۸۱۰) تن در چند کمیته محلی، با امضای خود به جنبش فرهنگی برای نجات آثار باستانی دشت پاسارگاد پیوسته اند. به عبارتی بیش از نوزده هزار و دویست و هشتاد (۱۹۲۸۰) انسان فرهنگ دوست، خطر فاجعه تاریخی در ایران را دریافته و به کوشش جمعی برخاسته اند.
اگر چه طی ربع قرن اخیر، هیچ حرکتی تا به این گستردگی توجه کسان را جلب نکرده و این رقم یک رکورد محسوب می شود، با این حال میلیون ها ایرانی و مسئولان فرهنگ جهانی گویی هنوز ابعاد این فاجعه را درک نکرده اند، فاجعه ای که می رود بخش بزرگی از ارزشمندترین گنجینه های فرهنگی- تاریخی بشر را در زیر دریاچه ای از آب مدفون کند.
در مورد چگونگی بروز این فاجعه و روند آن بطور مشروح، مطلب نوشته و گفته شده است و البته لازم است که بارها و بارها تکرار شود تا کسان بیشتری از این امر آگاهی یابند.
خلاصه این فاجعه در شرف تکوین به زبان ساده این است که حکومت جمهوری اسلامی، در منطقه ای تاریخی(که قدمت آن به ما قبل تاریخ نیز می رسد) در استان فارس، به نام تنگه بلاغی و در کنار دهکده ای به نام سیوند، سدی خاکی به همین نام برپا کرده که تا کمتر از شش ماه دیگر کار آبخیزی آنرا آغاز خواهد نمود (بهار آینده). در دشت های خاوری و جنوبی این تنگه، با شکوه ترین آثار باستانی ایران، یعنی تخت جمشید، شهر پارسه و پاسارگاد با آرامگاه کوروش بزرگ قرار دارند. در پیرامون تنگه بلاغی و نیز در پشت سد سیوند، نزدیک به ۳۰۰ مرکز تاریخی کشف شده است که ارزش باستانی، فرهنگی و عظیم آنها بی همتاست.
با تلاش هم میهنان آگاهمان در ایران، هشت تیم باستان شناسی اروپائی و آسیائی طی یک سال کاوش به آثار و نشانه هایی از ۱۲۰ اثر تاریخی دست یافته اند که تا یکصد انکار ناپذیری بر اهمیت تاریخی این منطقه دارد.
البته درک ابعاد و ژرفای فاجعه به هیچ وجه دشوار نیست. با آغاز آب گیری سد سیوند، بخش بزرگ و مهمی از تاریخ فرهنگ و تمدن ایران، به مرگ تدریجی گرفتار خواهد شد و انبوهی از آثار و گنجینه های ارزشمند در زیر آب های جاری از رود پلوار که به دریاچه سیوند سرازیر خواهد شد- مدفون می گردد.
مطالعات یک باستان شناس ایرانی به نام «فرهاد زارعی» ثابت کرده است، اهمیت تنگه بلاغی که شهرتیش پیش از این ها درعبور جاده شاهنشاهی هخامنشی از میان آن خلاصه می شد، فراتر از آن است که تصور میرفت.
اعضای یک تیم کاوشگر ایرانی، لهستانی در کاوشهای خود یک گوزه سفالگری

شعر معاصر
شبنم پریلی
حقیقت من
از درون غارهایی که نیاوند
درون افکارم،
دوباره می یابم
وزنده اتی می کنم،
و می گذارم
که بیارم،
در گهواره ی داستانم،
در سایه ی ده انگشت پیچ در پیچم،
ده انگشت
هوشیارم،
و با یازوان گشاده،
به نرمی
پیشکش تو می کنم
حقیقت را .

محبوبه صوتی و سواسی
مادرم
وسواس دارد
و صدای پای کسی
پشت در نمی آید
بهار
خیابان ای بلند می کشد
و نقاشی هایش را
هیچ بادی نمی برد،
مادرم وسواس دارد
و تابستان،
پا برهنه
در وسط اتاق ایستاده است
زنده یاد جمشید پرهمن
خواب می دیدیم
دوش خواب درایی می دیدیم،
دوازده هزار ساله
که از زاد روز به چله نشسته
در زاویه حوصله بی بسته،
نفس می کشید
و مناجات می کرد،
به او چگونه سلام بفرستیم،
جز از زبان خدا
و با او چگونه بدرود گویم
از این زاویه نود و هشت درجه
خواب درایی می دیدیم،
که خوابی می دید به بیداری هور

فرق قلم و نویسنده!
این قلم های آواره تا کی می خواهند آه و ناله وطن سر بدهند که آقدر می نویسند؟
++ نمی دانیم حضرتعالی کی می خواهید فرق قلم" یا "نویسنده" را تشخیص بدهید!
نوعی (حال کردن)!
اگه علی سارونیه، میدونه شتر رو تو کدوم کوچه بخوابونه! شما هم عوض این غصه خوردن چند ماهی در سال بروید وطن و از مزایای آن از ران مرغ و پستان آدمیزاد تا نشئه تریاک و عیش و عشرت دست جمعی بهره مند شوید.
++ خوش به حالتان! ولی فکر نمی کنم با این گونه بساط ها بشود در زندان اوین حالی کرد!
قدم پیش گذاشتن
این وعده شورای رهبری به کجا کشید، بالاخره کسی، گروهی، سازمانی باید قدم پیش بگذارد؟
++ مبارزان فی الفور قلم بایش را خرد و خاشک می کنند و دستش را چاق!
خرابکاری می کنیم!
● ماکه از اپوزیسیون خیری ندیدیم و بجای مبارزه با رژیم داریم علیه رژیم دست به خرابکاری می رژیم (پیامی از تهران)
++والله ما همه از اپوزیسیون خیری ندیدیم و مشغول خوردنی هستیم!
آبروی اسلام!
● مثل این که رسانه ها و سازمان ها به جای آخوند ستیزی مشغول شیعیه ستیزی شده اند.
++ همه با هم در سراسر کشورهای اسلامی و غیر اسلامی دارند فاجعه اسلام را می خوانند!

غزل روز
صغر مجیدی
ماه مهر و شور جشن مهرگان
روز مهر و ماه مهر و شور جشن مهرگان
آسمان از دل فریبی فخر باد بر زمین
گونیا تر زین شده با کلک مانی آسمان
صحن باغ از برگ رنگین همچو گنج سیم و زر
کرده گردون، گنج قارون را نصیب باغبان
جوبیار از بیدمشک و کشتزار از عطر کشت
بوی جان پرور فسانه، بر مشام عاشقان
روز نسجم و روز تخم و روز جشن و روز شوق
دارد آری مهرگان، در سینه راز بیکران
مهرگان را چونکه باشد ریشه در آیین مهر
ماند آئینش به قلب مهرورزان جاودان
شکر آن که کاوه بر ضحاک چیره شد،
جشن ها برپا شد از امر فریدون بعد از آن
تا که خاک پاک ایران گردد از ضحاک، پاک
کاوه ها از بین مردم، سر بر آرد هر زمان
علت دیگر که جشن مهر گانش گفته اند
مهرپایان ای "مجیدی" بانی آدم، ولی
همدلی با هموطن کن، همدمی با همزبان

حرف های روز

او رفته بود و از سیامک پرسید: چه آرزویی داری؟ جواب داده بود که: دلم می خواهد که فرصتی باشد با فلانی یک مجله تازه ای راه بیندازیم

می گفت هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق، با این آتش گدازای که در دل ماست که از سن و سا ما، سال هاست که گذشته است.

یادش بخیر آن زیرزمین اول خیابان اریاب همایون و چنانچه "مهر ایران" بود که اولین آشنایی من و سیامک از آنجا شروع شد. با مجله "مهر ایران" و آن بخاری کدایی پر دود، بوی کباب و عرق سگی و چاپ... و عرق تن ها... و سیامکی که یک سر داشت و هزار سودا..

او جزء اولین "سینما بنویس های مجلات" بود، در مجله روزانه "دره ها" که خدا بیمارز فرهاد هرمزی منتشر می کرد و بعد مجله سینما، هنر و سینما، ستاره سینما و از این جور مجله هایی که به هر حال ربطی به عالم سینما داشت و سه تا و چهار تا و ده تا هم نبود و بعد اولین سینه کلوب را رویراه کرد. اولین فستیوال فیلم های ایرانی و خارجی در محل سینما سعدی با کمک "آشتیانی" (که دست اندر کار واردات فیلم) با سر و صدا براه انداخت، سپس با همکاری با هفته نامه "آژنگ" بود که دوستی امان قرص و محکم شد که به ظهور مجله "آتش" کشید.

در این همه سال ها کمتر شنیده و خوانده ام که در مورد مجله آتش درهه این بررسی های مطبوعاتی، نام چندانی برده شود که خود در کار مطبوعات یک تحول چشم گیر در دهه ۱۳۳۰ تا ۴۰ بود.

"آتش" یک روزنامه جنجالی بود به مدیریت سید مهدی اشرفی که تا بخواهید حرف و حدیث درباره اش بود، میر اشرفی و کیمل مجلس بود. در اصفهان کارخانه داشت و اغلب در جلسات مجلس قاف چاق می کرد.

روزی که سیامک پورزند گفت که: سیدمهدی میر اشرفی را راضی کرده است که یک مجله به نام "آتش" منتشر کنند- من که آن موقع در عالم سیاست چندان وارد نبودم و میراشرفی را هم زیاد نمی شناختم، آنچه شنیده بودم نیز از نوشته ها و گفته های مخالفانش بود- خیال می کردم که انگار سیامک ما و سایرین را می خواهد به کام آژدها ببرد!

روزنامه و چاپخانه "آتش" در میدان بهارستان- قسمت جنوبی میدان داخل کوچه نمی دانم چی چی بود؟ که در بزرگش در خیابان بهارستان روبروی مسجد سپهسالار باز می شد- با یک محوطه درندشت.

روزی که با "سیامک" به خانه میراشرفی، بالاتر از باغ صبا و آن حدود ها- رفتیم در یک خانه ویلایی خیلی شیک و پیک و اعیانی، میر اشرفی بی ادا و اطوارهای رجال مابانه بود و خیلی لوطی منش گفت: هیچ شرط و شروطی برای مجله ندارم و خودتان می دانید و تا حدودی که می من توانم پول و کاغذ هم هست چاپخانه هم مجانی هست. شروع کنید. دخالت هم به کار و بار سیاسی مجله ندارم که روزنامه آتش برای همه کرم کشی ها و قال چاق کردن های ما در سیاست کافی!

امکانی از این بهتر برای انتشار یک مجله نبود. بودجه کافی، هیات تحریریه، کاغذ روزنامه، چاپخانه و... (مثل ساله های بعد، آن موقع ها)

نام نشریه و مدیر آن برایمان زیاد مهم نبود) که اسم مجله چیست و مدیر آن کیست و ماندهده چند عده ای مجله ای را تحریر می کنند! جماعتی اه ا و پیف پیف راه بیاندازند! و جمعی آدمیزاد را از اسم "پارو" بترسانند (اغلب برای این که خودشان دستشان به این دم گاو بند شود) و اکثر از در نصیحت که: آینده تان را خراب نکنید! اما برای ما چه فرق می کرد.

وارد نبودم نوشتن بود که میر اشرفی در اختیارمان گذاشته بود و بعد هم آقا شمس قنات آبادی آمد بدون عبا و عمامه!، او حالا حالا دیگر فکلی و کت و شلوازی شده بود. و میر اشرفی او را به جای خودش، به عنوان "مدیرمجله" معرفی کرد.

"آقا شمس" با تمام "لوطی منشی" هایش گیر و گرفتاری های سیاسی و غیر سیاسی دیگری هم داشت که با امورات من و سیامک و مجله نمی خورد. بعد هم که مجله گرفت و تیراژی پیدا کرده بود، سر و کله پسر میراشرفی (که تابحال مدیر چاپخانه بود) در هیات تحریریه مجله هم پیدا شد که می خواست یک صفحه هم به او اختصاص داده شود!...

ما سرمان به کار خودمان بود. اغلب عصر ها بساط کالباس و خیار شور و عرق و پیسی بود و رفقا - خدا زنده بگذاردشان همین "دانش فروغی" خودمان که در مجله جوانان "دست اندرکار راست و ریست کردن حالات روحی و روانی مردمان است- آن زمان جوان برانزده ای بود و شعر می گفت همراه با "نودر پرنگ" شاعر و چند نفر دیگر از رفقای مطبوعاتی و شاعرانی مانند و منوچهر نیستانی و شهاب و... با کارگاران چاپخانه قاطی می شدیم و گوره بابای درک. چاپ

فرم مجله باشد برای روز بعد!؟ سیامک هم تازه نامزد گرفته و عقد کرده بود و همسرش بسیار دختر خانم فهمیده ای و خود اهل قلم و از جمله مطبوعاتی ها، بود. (خدا سلامتش بدارد، خانم ماندانا زند گرمی، مادر بنفشه) که آن زمان ها از فداکاری چیزی را در مورد سیامک خودداری نمی کرد و این بنده، جوان و مجرد هم انگار برادر هر کدام از آن ها - که گاهی هم میان این دو زوج جوان را جوش می دادیم!

آقا شمس قنات آبادی، هفته ای یکبار در یکی از چلوکبابی های نایب - اغلب شعبه خیابان سعد آباد در شمیران- سور می داد. گاهی شب ها هم "بساط" داشت. اهل عیش و عشرت بود و بد به خودش نمی گذراند و پاری اوقات در منزلی نزدیکی های امامزاده چی چی یکی در در شمیران...

و معلوم نبود آن خانم های ددردی را از کجا دست چین می کردند و می آوردند و منقل هم بود و اولین بار گرد هروئین را توی بطری کوچولوی پنی سیلین در آن جا دیدم!

و ما را بگو که اهل هیچ فرقه ای نبودیم الا اهل قلم! و از آن بابت ها هم هیچ وقت جدیمان نگرفتند (خدا را شکر!) ... و اما اگر آن جور چیزها بگیرمان نشد. این یکی (قلم زنی) درد آفرین از آب در آمد. القصه که هوشنگ خان پسر امیر اشرفی یک پاورقی در مجله آتش شروع کرده بود که دو سه شماره نوشت. بعد "دوستانه" از من "خواهش" کرد که آن را ادامه بدهم و او جریان پاورقی را - که کتابی قطور از ماجرای جنگل آمازون بود می گفت و من آن را می نوشتم. بعد چند هفته ای کار از "خواهش" گذشت و "دوستور"

داد: خودت ادامه بده! من و سیامک می خواستیم پاورقی را قطع کنیم. که هوشنگ نعره کشید: خایه میخوام که اسم منو از توی مجله برداره؟ می گفتند از آن کله خرهاست. در ژاپن کار و بارش سوزاندن مرده بود (که پول خوبی می دادند) و همانجا هم گویا "درسی" هم خوانده بود خیلی تترس بود. مثل شمرا! رانندگی می کرد. یک روز مرا از چشمه اعلائی دماوند به تهران آورد که نصفه جان شده بودم، ضمنا از ویراژهایش، عبور مماس و بوق وحشتناک کامیون ها، خوشم می آمد و او هم، هی می گفت: تترسی ها؟... از کنار کامیون ها و پیچیدن جلوی آن ها و من مدام چشمم به ته دره بود... تا رسیدیم به میدان بهارستان. راهی که دو سه ساعت باید می آمدم، یک ساعت آمده بود!

مجلس آتش خیلی گل کرده و پر فروش شده بود که یک شیر پاک خورده ای مسابقه بهترین و خوشگل ترین هنر پیشه سینما و تاتر را توی دهان آقا شمس گذاشت و او هم کرد و هم می خواست از این جریان یک "تیکه" از عالم سینما و تاتر به تور بزند. سیامک رکاب نمی داد و سایر بچه ها و از جمله من، که اول پاورقی پسر هوشنگ میر اشرفی را قطع کردم و بعد این که به نجو و نوعی مسابقه زیباترین! را ردش کنیم...

آن هفته که هوشنگ میر اشرفی پاورقی اش را در مجله ندیده بود، داد و قال راه انداخت و بعد یکسره به هیات تحریریه آمد و اسلحه کمربش را بیرون آورد و لوله آن را روی شقیقه من می گذاشت و داد زد: می نویسی یا شلیک کنم!

با همه ترس و لرز، راستش تهدید او را جدی نگرفتم ولی

واقعا او این کار را می کرد. کما این که سال های بعد با بنده خدای دیگری را به همین ترتیب، در اصفهان کشته بود:

میری یا شلیک کنم! او نفت و مینو شلیک کرده بود. در هر حال با پا در میانی "سیامک" او کوتاه آمد و من هم پاورقی را ادامه دادم. چون دوستی با او فواید دیگری هم در چاپ مجله داشت و یکی دیگر این که می گذاشت توی باغچه دوستان شاعر، نویسنده و کارگردان صفا کنیم!...

اما با جریان مسابقه زیبایی هنر پیشه ها "بالاخره زیر آب سیامک پورزند و دار و دسته را از مجله آتش زدند. جمعی که آمده بودند "جاکشی" را به عنوان شرط اول کار در مجله آتش پذیرفته بودند...

زیباترین هنرپیشه کسی شد که همان شب "آقا شمس" و دوستان را به بزم آن خانه ویلایی قاسم آباد شمیران بردند... آن شب من و سیامک و ماندانا ... در گوشه ای دنج، در فکر قضایای مجله آتش بودیم ... در همین حیص و بیص و سیامک از من پرسید: وقتی هوشنگ امیر اشرفی لوله اسلحه را روی شقیقه تو گذاشت توی چه فکری بودی! گفتم: فکر می کردم که فشتگ اسلحه ترقه ای است...

سیامک گفت: فشتگ حقیقی بود تو فردا نبودی که با همان اسلحه به یک کلاغ روی درخت چاپخانه شلیک کرد و آن را انداخت، چه خونین و مالین!

ASRE EMROOZ email:info@asreemrooz.com

Movie advertisement for 'The War Within' featuring a man in a suit. Text includes: "A SEARING, STAGGERINGLY PLAUSIBLE FILM.", "A COMPPELLING AND BRILLIANTLY realized evocation of a suicide bomber's world.", "A WORK OF HIGH INTELLIGENCE AND PSYCHOLOGICAL INSIGHT.", "I don't expect you to understand what I am about to do".

Advertisement for 'L'Shanaty Tovah' by the Jewish Federation. Text includes: "سال نو عبری بر همگی مبارک", "کمیته برگزاری مراسم مذهبی و نیایش های روزهای عظیم روش هشانا و یوم کیپور وابسته به مجتمع فرهنگی بیت دیوید اعلام می دارد که امسال نیز به پیروی از نتایج موفقیت آمیز کسب شده از سالهای قبل مراسم منبر که مزبور را همچنان در دو محل برگزار می نماید محل اول سالن کنیسه بیت دیوید واقع در ۵۵۵۴ خیابان رسیدا در شهر تارزانا و محل دوم MARRIOTT هتل واقع در 15433 Ventura Blvd Sherman Oaks CA, 91403 (RADISON سابق) رادیسون سابق", "برای تامین مخارج روش هشانا و کیپور بهای بلیط ورودیه هر نفر ۶۵ دلار بدون پارکینگ و برای جوانان ۲۰ دلار و کودکان زیر ۷ سال مجانی. مراسم در کنیسه مجتمع کماکان رایگان خواهد بود. لطفا برای تهیه بلیط به افراد زیر رجوع فرمائید:", "۱-دفتر مجتمع فرهنگی بیت دیوید ۸۵۲۳-۳۴۴(۸۱۸) ۵-مسعود بنونی ۱۲۸۳-۶۳۱(۸۱۸) ۲-خانم منیژه احدوت ۴۲۴۲-۸۱۷(۸۵۸) ۳-ربیع اسمعیل زاده ۲۰۲۲-۶۱۴(۲۱۳) ۴-الیاهو حکیمی ۹۱۶۱-۲۴۶(۸۱۸) ۶-چشم روشنی شالوم ۹۷۰۱-۳۷۹(۸۱۸) ۷-فروشگاه شالوم ۸۶۱۲-۳۴۵(۸۱۸) ۸-داروخانه سنجر ۸۰۰-۷۰۸(۸۱۸)"/>

افسوسى آن سال ها

را بر می گرداند و نگاهی که چون کبوتری پریر زنان، سویان می آمد. همین نگاه، مثل گرمای خورشید بود جان می داد، زندگی رنگ عوض می کرد، آن زمان برای یک لحظه گفتگو،

جان می دادی... از دوران سربازی نمی نویسم. چرا که سرباز نبوده ام. اما خوب می دانم که بر و بچه ها، از آن دو سالی که به سختی آغاز می شد، بهترین خاطره ها را می ساختند و پس از آن دانشکده ها بود و دوران ورود به سیاست. شعرهای کسرابی و محمد زهری... ما بیشتر اما "کوجه" فریدون مشیری را می پسندیدیم و همه شهبانان بی مهتاب بود اگر "مهتاب" نبود. رئیس دانشکده را دوست داشتیم. اما

خواهند. دوستش گفت به داروخانه مراجعه کن تا قوزت را با دارو معالجه کنی. داروخانه چی گفت: دارو می دهم به شرط آنکه هر پانزده روز مراجعه کنی تا قوزت را اندازه بگیرم. برای این کار هم هزینه ات زیاد می شود... مورچه که از داروخانه هم نتیجه ای نگرفته بود به سفارش یکی از دوستان نزد دکتر علفی رفت. دکتر علفی به او جوشانده گیاه قوزبر توصیه کرد ولی مورچه به جای معالجه اسهال گرفت و از آن روز به بعد مورچه دور دکتر و معالجه را حفظ کشید و خانه نشین شد. چند ماهی گذشت و به او خبر رسید که یکی از همکلاسی های سابقش که در خارج زندگی می کرده، پس از سال ها اقامت به وطن باز می گردد. خوشحال شد و با خریدن دسته گلی به استقبال او به فرودگاه رفت. امید داشت که او بکند. هنگامی که دوستش آمد او را در آغوش کشید و دوستش از او پرسید: چرا قوز کردی؟ صاف بایست. و بعد محکم با دست به پشت مورچه قوزی زد و قوز مورچه قوزی به سادگی رفت تو مورچه که پس از مدت ها رنج و محنت به زندگی عادی بازگشته بود خود را در آینه نگاه کرد و از خود پرسید: به این سادگی بود و نمی دانستم!...

ساده بود و نمى دانستيم؟

کندید. مورچه چون این مبلغ را نداشت سراغ دکتر دیگری رفت. گفت به من پیشنهاد جراحی قوز باز شده است. دکتر جدید خندید و گفت: مشکل شما قوزکتومی است و باید دو میلیون به حساب بنده واریز کنید. مورچه قوزی از شنیدن این مطلب هم تا امید شد و بیرون رفت. اما با امید به دکتر سوم مراجعه کرد و گفت چه پیشنهاد هایی به او شده است. دکتر سومی به هر دو دکتر قبلی خندید و گفت: شما باید با دستگاه پیشرفته MK2 معالجه شوید و احتیاجی به جراحی نیست. در ابتدا مورچه خوشحال شد که معالجه او زیاد خرجی ندارد اما وقتی دکتر گفت که باید دو میلیون به حساب او ریخته شود، مورچه دمش را روی کولش گذاشت و رفت. در بین راه به دوستش برخورد کرد و گفت اما از دست دکتر ها که تا بیمار سلام می کند پول کلان می

در دفتر ایام

دلمان برای شکستن شیشه ها هم تگ می شد که شلغی مدرسه را مزده می داد. شاید نخستین کاری که از آن پول ساختیم. اگر بهترین کار دنیا نبود، زیارتنیش که بود... حالا دیگر کله پاچه ی صبح جمعه در تجریش را با دستمزد خود، می خریدیم. کوله پشتی و بسته ی خرما و "تون" ماهی کوهنوردی از محل اولین پولی که ثمره کارمان بود، چه خلوتی داشت و به دلان می چسبید. و حالا... سال ها دوری از وطن، دوری از مدرسه، دوری از بابا و بقال سر کوجه، دوری از دیرستان و دختر همسایه و آن همسایه ها... امروز خاطره بس دلپذیر است و رسیدن دوباره به آن روزها، چه شور و شوقی دارد اما چیف. چیف که دیگر نه کودکی باز می گردد و نه می توان به جوانی در راه دل بست. اکنون سپیدی موی ها، گذران عمر را به یاد می آورد و چه غم انگیز است که بدانی ایران، هست، محله هست اما...! اما گویی همسایه ها از محله کوچ کرده اند. یکی از آن ها، پسرش را در جنگ از دست داده و طاقت ماندن در خانه قدیمی را، نیاورده است. همسایه دیگری که مردشان در زندان است و آنها بی سرپرست و نان آور مانده اند، به ناچار در خانه پدر بزرگ به سر می برند... بعضی از همسایه ها هم دو گروه و سه گروه شده اند و با هم بگو مگوهای سیاسی بر حسب و حال روز دارند. همسایه ها دیگر توی آن کوجه آشنا، بچه ها، کاسه شله زرد به خانه ی همسایه نمی برند چرا که پدرشان در نماز جمعه نبوده است. آخرین پرسی که نگاه پر تمناش، روی لب های دختر محله گل انداخته بود، آفتدر شلاق زدن که عاشقی را از یاد برد. بابای پیر مدرسه، جایش را به جوانی تومنند داده که می گویند مامور مبارزه با مواد مخدر است اما از هر کس دیگری مواد را ارزان تر می فروشد! خدایا... شهر من چه شده است و افسوس بر آن سال ها...

"سلام عرض می کنم جناب رئیس! برگشتم و با اولین نگاه یدالله قهقه کش را شناختم. دست و پایم را گم کردم و ترس بر من غلبه کرد. اما خودم را به کوجه علی چپ زدم و جواب دادم: آقا! مثل این که عوضی گرفته اید، جناب رئیس کیه؟! یدالله قهقه کشی گفت: - جناب سرهنگ نوکرتما! نوکر شما هستم! نوکر تمام افسران شهربانی و ژاندارمری و ارتش هستم... شما نمی دانید این ها که آمده اند چه بی ناموس هایی هستند! اصلا آدمیت ندارند! اصلا شرف ندارند. مردانگی ندارند! حیران به او می نگریستم که دست در جیب خود فروبرد و یک ساعت "رولکس" در آورد و خواست به زور به دست من به بندد! مانع شدم. خیال کرد نفهمیدم. گفت: - جناب سرهنگ ساعت رولکس است! بیست هزار دلار قیمت دارد. می خواهم به شما هدیه بدهم... من گلیج و منگ او را نگریستم. آنوقت نشست و درد داش باز شد که آخوندها از اعضای کمیته های انتظامی می خواستند، شب ها به آدرس هایی که آنها می دادند، بروند و به عنوان مامورین کمیته وارد خانه های مردم بشوند. خانه آدم های حسابی! هر چه هست جمع کنند و بار کامیون کنند و به آخوندها تحویل دهند... مامورین کمیته ها، وقتی به خانه هایی که آدرس آن ها را داده بودند می رفتند، به زن ها و دخترهای خانه هم تجاوز می کردند! دست و پای مرد خانه را می بستند، دهانشان را چسب می زدند و به دخترها و زن ها نوبتی تجاوز می کردند و بعد اسباب و اثاثیه خانه از فرش و طلا و جواهر را جمع می کردند... یدالله قهقه کشی می گفت: - مدتی این کار را کردم! بعد که سر و صدای مردم در آمد که مامورین کمیته هاشب ها زدنی می کنند، آخوندها تصمیم گرفتند که ما را سر به نیست کنند. خیلی بی ناموس هستند! ما هم تصمیم گرفتیم همان خانه های آخوندها که اموال مردم را به آنها تحویل داده بودیم، دستبرد بزنیم. یعنی

انتقام مردم را از آخوندها بگیریم! جناب سرهنگ یک کامیون طلا و جواهر به ترکیه آورده ایم. جناب رئیس، رئیس همه دزدها رفستجانی بی ناموس بود که ما را به دزدی می فرستاد! جناب رئیس این ساعت هم مال باجناب رفستجانی است... جناب رئیس به خدا قسم، یائید خانه ام را ببینید در و دیوار اتاقم پر از عکس های شاه است... جناب سرهنگ، یائید خانه ام را می فهمم که چرا آن روز با آن چوب به صورت من زدید! به خاطر مردم زدید...! سرهنگ "پ" گفت: - به یدالله قهقه کش گفت: - شنیدم مدتی که رئیس کمیته بودی، در بدر دیال من می کشی. خالص و صادق و راست بگو، آن روزها اگر مرا پیدا کرده بودی چه می کردی...؟ یدالله قهقه کش پرسید: "راستش را می خواهید؟! جواب دادم: - البته، من که گفتم در کمال صفا بگو... دو انگشترش را به طرف پیشانی من گرفت و گفت: اگر آن روزها پیدایان می کردم، یک تیر به پیشانی شما می زدم! اما حالا یک گیلان عرق ترکی به سلامتی شما بالا می روم. حق نگهداران باشد... و گیلان را بالا انداخت و ساعت رولکس را روی میز گذاشت و بلند شد و گفت: - تا وقتی ترکیه هستید مهمان من باشید! گفتم: متأسفانه فردا می روم... یدالله تو دیگر قهقه کش نیستی... معذرت می خواهم که آن روز توی صورت زدم... خوب فهمیدی آن کار را برای امنیت مردم کردم... وقتی رفتم پول میز را بدهیم، گفتند یک مرد چهارشانه وقوی هیکل پول میز شما را حساب کرده است! گاهی آدم ها در ذات بد نیستند، گاهی از از بدی ها هم می شود آموخت! یارب تو کریمی، کریمی گرم است! آسیب چه رو بیرون زباغ ارم است! با طاعت ار به بخشیش آن نیست گرم/ با معصیتم اگر به بخشیش، گرم است!

پنیر صددر صد بدون کلسترول و بدون هورمون و کم نمک فر آورده ای از شرکت صدف

پنیر بدون کلسترول

از هزاران سال قبل پنیر فتا (Feta Cheese) محصور کشور افسانه ای یونان به دلیل طعم بی نظیر و خواص تغذیه ای منحصر به فرد خود مورد توجه جوامع مختلف بوده است. تولید و مصرف این فر آورده غذایی به نحو چشمگیری ریشه در فرهنگ اصیل این کشور دارد و برخی قدمت آن را با خود فرهنگ یونانی قابل مقایسه می دانند.

محصول جدید: پنیر فتا در ابتدا منحصر از شیر بز و گوسفند تهیه می شده است. به هر حال امروزه پایاپای با پیشرفت تکنولوژی در صنایع غذایی از یک سو از شیر گاو نیز برای تهیه آن استفاده می شود واز سوی دیگر ترکیب آن از نظر میزان و نوع چربی اصلا می شود تا نیاز مندی های تغذیه ای جوامع امروزی را تامین نماید.

پنیر فتای بدون کلسترول همانگونه که از نام آن پیداست فاقد کلسترول بوده و از این نظر بسیار مورد توجه کارشناسان پزشکی و امور تغذیه ای قرار گرفته است. این پنیر کاملا طبیعی و بدون هورمون بوده و از نظر خواص تغذیه ای کاملا با دیگر انواع پنیر فتا قابل مقایسه است.

به هر حال فقدان کلسترول در آن موجب می شود که مبتلایان به بیماری های قلبی- عروقی یا افراد در معرض خطر این بیماری ها نیز بتوانند از خواص تغذیه ای آن بهره مند شوند.

در فرآیند تولید این پنیر بی همتا با استفاده از روش های جدید تکنولوژیک چربی های حیوانی حاوی کلسترول از پنیر گرفته شده و در عوض چربی های گیاهی به آن افزوده می شود. از این طریق ضمن حفظ طعم پنیر از مضرات احتمالی مصرف کلسترول جلوگیری می شود.

با توجه به این حقایق سازمان غذا و داروی آمریکا (FDA) برای اولین بار اجازه واردات این پنیر را از یونان به آمریکا صادر نموده است. پنیر فتای بدون کلسترول علاوه بر آن که می تواند به تنهایی مورد مصرف تمام گروه های سنی قرار گیرد به نحو گسترده ای به غذاهای دیگر از جمله انواع سالادها، پیتزها و پاستا افزوده می شود.





انتخاب صدف، انتخاب بهترین هاست

و افتخار ما، اعتماد ۲۲ ساله شما به محصولات صدف بعنوان بهترین هاست



برنامه اتمی زیر نظر ارتش و یا سپاه؟

وزارت امور خارجه آمریکا نسبت به نقش ارتش ایران در برنامه اتمی این کشور که هدف آن به اعتقاد واشنگتن تولید سلاح های اتمی است، ابراز نگرانی کرده است. شان مک کورمک سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا گفت: سازمان بین المللی انرژی اتمی تأیید کرده است که ارتش ایران بسیاری از تاسیسات ساترفیوژ کشور را زیر نظر دارد.

گفت سازمان بین المللی انرژی اتمی به تحقیقات خود در این مورد ادامه می دهد و افزود منطقی به نظری رسد نتیجه گیری کرد که نقش ارتش ایران در برنامه اتمی این کشور، تولید سلاح های اتمی است. یادآوری می شود برنامه های اتمی تا به حال زیر نظر فرماندهان سپاه بوده است و توصیه بمب اتمی رسم پیشنهاد آنهاست

لگدپرانی رییس ستاد انتخاباتی رییس جمهور به یک خبرنگار عکاس!

بشر: رییس ستاد انتخاباتی احمدی نژاد در آذربایجان شرقی، حسین قربانی عکاس خبری مطبوعات محلی در تبریز را با لگد از ناحیه پا مورد حمله قرار داد. ● سید حسن شکوری رییس ستاد انتخاباتی احمدی نژاد در آذربایجان شرقی و عضو شورای شهر تبریز صبح روز پنج شنبه ۱۴ مهر ۸۴، حسین قربانی عکاس خبری نشریات محلی تبریز را در حین انجام عکاسی در محوطه عمارت شهرداری تبریز بود ضمن مانعیت از انجام کار حرفه ای با لگد از ناحیه پا مورد حمله قرار داد و از پلیس حاضر در محل ساختمان شهرداری تبریز خواست دوربین وی را ضبط کنند. ● یادستور! این عضو شورای شهر تبریز پلیس مستقر در محل عمارت شهرداری تبریز مجبور شد دوربین این عکاس خبری را ضبط کند. ● این محله در حالی صورت گرفت که چند تن از خبرنگاران و رهگذاران شاهد ماجرا بودند (ولی ساکت و خاموش ماندند)

تسویه حساب دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام با حریفان!

محسن رضایی به دبیر مجمع مصلحت نظام که از طریق سایت بازتاب "خرده حساب های خود را با جناح های دیگر رژیم تسویه می کند، در "بازتاب" گزارش داده است: فردی در کرج با حمایت تعدادی از مقامات قضائی، در حال تصاحب نه میلیون مترمربع زمین به قیمت هر متر، دو ریال است. بنا بر این گزارش، نه میلیون مترمربع زمین مذکور در سال ۱۳۳۷ توسط خانواده "ج" به قیمت دو میلیون تومان به خانواده "م" فروخته شده بود و خانواده "م" آن را تملک کرده بودند. پس از انقلاب اموال خانواده "م" از جمله زمین مذکور مصادره شد.

۴۰ میلیارد تومان برای "جاده ظهور" امام زمان!

گزارش شده است که احمدی نژاد در سفر به قم ۲۰ میلیارد تومان تسهیلات برای انجام طرح از حرم تا چمکران به عنوان "جاده ظهور" اختصاص داد. معاون عمرانی استاندار قم در گفتگو با خبرگزاری حکومتی "مهر" در قم، تصریح کرد: دکتر احمدی نژاد در سفر به قم قول داد تا ۲۰ میلیارد تومان تسهیلات علاوه بر تسهیلات قبلی طرح از حرم تا چمکران در اختیار مسؤولان اجرای

انتقاد شهردار جدید از شهرداران گذشته

● محمد باقر قالیباف شهردار جدید تهران در دیدار با نمایندگان انتصابی مجلس از عملکرد کرباسچی و احمدی نژاد در دوران تصدی امور شهرداری توسط آنها انتقاد کرد. ● بنا به خبر سایت امروز، قالیباف به انتقاد از نحوه دیدارهای مردمی احمدی نژاد برای حل مشکلات پرداخت و این اقدام را مناسب ندانست و اعلام کرد که باید مشکلات به صورت سیستماتیک حل شود و من در آینده به هیچ عنوان از این روش ها استفاده نمی کنم.

پیشنهاد اتاق فکر از سوی رییس جمهوری که ۸ سال را با بی فکری گذراند!

سیدمحمد خاتمی رئیس شورای مرکزی مجمع روحانیون مبارز پیشنهاد داد تا جبهه اصلاحات در زمینه های مختلف زیربنایی اقدام به تشکیل اتاقهای فکر کند. ● رئیس جمهور سابق (قبلا انصار حزب الله، این پیشنهاد را ارائه داده بودند) با فعال شدن در عرصه سیاسی سعی در انسجام دادن به فعالیت های جبهه اصلاحات دارد

درگیری تماشاچیان "فوتسال"!

به گزارش فرماندهی انتظامی فارس، درگیری بواسطه پیروزی تیم فوتبال خرامه در مقابل تیم فوتبال کوار حادث شد و تماشاچیان و بازیکنان دو تیم با یکدیگر درگیر شدند. ● به گزارش ساحتی نظامی، درگیری بواسطه پیروزی تیم فوتبال خرامه در مقابل تیم فوتبال کوار حادث شد و تماشاچیان و بازیکنان دو تیم با یکدیگر درگیر شدند. ● به گزارش ساحتی نظامی، درگیری بواسطه پیروزی تیم فوتبال خرامه در مقابل تیم فوتبال کوار حادث شد و تماشاچیان و بازیکنان دو تیم با یکدیگر درگیر شدند.

افشاگری ۹ میلیارد تومانی!

گزارش سایت "بازتاب": یکی از بانک های بزرگ دولتی در تخلفی شگفت، مبلغ نه میلیارد تومان بابت تولید محصولات کشاورزی در یک زمین یک هکتاری در سعادت آباد پرداخت کرده است. ● بنا بر این گزارش، بانک کشاورزی که از پرداخت وام های چند میلیون تومانی برای زمین های چندین هکتاری به کشاورزان، خودداری و آن را به داشتن شرایط خاص موقوف می کند، در اقدامی شگفت، مبلغ نه میلیارد تومان بابت تولید محصولات کشاورزی در یک زمین یک هکتاری در سعادت آباد پرداخت کرده است.

یک کلام

تفویض! محسن رضایی گفت: طبق قانون، رهبری می تواند وظایفش را به هر مجمعی بدهد. از جمله مجمع تشخیص مصلحت نظام. - کما این که چه بسا پس فردا نیز ستاد ائمه جمعه را ناظر بر عملکرد مجمع تشخیص خواهند کرد! مذاکرات!

علی لاریجانی دبیر شورای عالی امنیت ملی گفت: اروپا اول باید حق اتمی شدن ما را بپذیرد و بعد مذاکره می کنیم. - آیت الله نوری همدانی گفته بود: امام زمان باید با آخرین سلاح های مدرن مجهز باشد! ندای غیبی: بهتر است اتحادیه اروپا، جلسه بعدی مذاکرات را در مسجد چمکران و سر چاه کزایی ارسال عرضه برای امام زمان برگزار کنند!

پی گیری! دکتر احسان نراقی گفت: ایران در پی گیری غرامت جنگی و جنایات صدام کوتاهی می کند. - کوتاهی که هیچی؟ چند صد میلیون دلار هوایما های امانتی صدام را هم به عراق پس فرستاده اند!

متاهلین؟ عضو هیات رئیسه کمیسیون اجتماعی مجلس گفت: مردان متاهل از صیغه کردن و دختران و زنان ممنوع می شوند. - خیال متاهلین جمع باشد که آخوندها فوری یک کلاه شرعی برای آنها پیدا می کنند!

فاجعه؟ نشریه امید جوان نوشت: افزایش طلاق بر اثر ازدواج های ناموفق و شیوع ازدواج موقت، همچنین روابط نامشروع نشان از بروز فاجعه ای در جامعه دارد. - اختیار دارید همه این ها از برکات انقلاب و اسلام ناب گل محمدی خمینی است! - ندای غیبی: آن امام راحل چی را به چی و کجا را تا کجا آباد فرمودند!؟

هشدار شدید الحن نخست وزیر انگلستان به حکومت ایران

تونی بلر نخست وزیر انگلستان به حکومت ایران هشدار داد که اطلاعاتی در دست است که این کشور را به حملات اخیر علیه نیروهای انگلیسی در عراق مرتبط می کند. ● وی گفت که شواهد نشان می دهد که یا جمهوری اسلامی و یا گروه تحت حمایت آن حزب الله لبنان در این حملات دست داشته اند هر چند که نامی توانیم از این موضوع مطمئن باشیم. ● وی به حکومت ایران هشدار داد که هیچ توجیهی برای مداخله در عراق وجود ندارد. ● هشدار تونی بلر بیشتر از سخنان روز گذشته یک مقام بریتانیایی دیپلماتیک بود. این مقام در روز چهارشنبه ایران را متهم کرد که ایران در حمله به سربازان بریتانیایی دست داشته است. ● بلر خطاب به ایران اعلام کرد که دولتش در مسیر مطرح ساختن نکات لازم و بجا در قبال التزام ایران به عدم دستیابی به سلاح هسته ای به هیچ وجه معرعب نخواهد شد

سها جا یوگا
راه رسیدن به خود به خدا
گلاس های مدیترانه ای عذیبین سها جا یوگا
از طریق این مدیترانه ای عذیبین سها جا یوگا و آرامش و لذت را در درون خودتان پیدا خواهید کرد و تمام مشکلات فیزیکی و روانی و فکری خود را حل خواهید کرد و صحت خود را با حالتی خود پیدا خواهید کرد.
درد و منقله ولی و ایروان
تاریخ: از ۱۶ اکتبر به پیشینه از ساعت ۹/۳۰ تا ۵/۳۰
4565 Sherman Oak Ave. ShermanOak.s (West of the 405 Fwy and South of Ventura)
تاریخ: از ۱۶ اکتبر به پیشینه از ساعت ۹/۳۰ تا ۵/۳۰
Ektaa Center
2691 Richter Ave Ste 105 Irvine
برای اطلاعات بیشتر با تلفن های زیر تماس بگیرید
(818)986-9857 (949)413-8223
ورود به تمام برنامه ها آزاد میکانی است
www.sahajayoga.org

اگر چه فرمایشات جناب سید محمد بهشتی، بی لطفی محض است و نیازی به پاسخ ندارد ولی بیان یکی دو نکته را لازم می دانم.
- نخست آن که برپا کنندگان کمیته بین المللی برای نجات آثار باستانی دشت پاسارگاد (شکوه میرزادگی و همسرش دکتر نوری علا) و یاران ایران خواه و فرهنگ دوستی که به این جنبش پیوسته اند، از ابتدا تا کنون کرده اند و کوشیده اند که فاجعه فرهنگی - تاریخی ناشی از ایجاد سد سیوند را، از آغشته شدن به مسائل سیاسی برکنار دارند. بسیاری از کسانی که آشکارا با باورهای سیاسی یکدیگر در تضاد هستند - با پرهیز از پرداختن به مناقشات سیاسی - صرفا برای نجات آثار باستانی پیرامون سد سیوند به تلاش افتاده اند. در میان این کسان، تعداد بسیاری را می توان نام برد که هیچ گونه وابستگی به این و یا آن تفکر سیاسی ندارند و حتی در میان آن ها، نام برخی از جانبداران رژیم اسلامی هم دیده می شود.
- دوم این که پیوند زدن اهداف سیاسی به نجات آثار باستانی، یک ادعای کودکانه، ساده لوحانه و عوام فریبانه است.
هدف کوشندگان در این راه، به هیچ وجه سیاسی نیست و ربطی به مخالفت با جمهوری اسلامی ندارد. اگر هر یک از مقام های رژیم جمهوری، اقدامی در جهت توقف کامل عملیات سد سیوند به عمل آورند و جلوی فاجعه را بگیرند، من به نوبه خود، ممنونشان خواهم بود و امیدوارم که چنین کنند.
- و سرانجام تکرار سخنی با هم میماند: ساعتی از وقت خود را برای جلوگیری از یک فاجعه بزرگ بگذارید. به کمیته بین المللی برای نجات آثار باستانی دشت پاسارگاد بپیوندید.

آشنایی بیشتر با فاجعه ای که در راه است!

غارها و سکونت گاه های دوران پیش از میلاد، دو گورستان عمومی مربوط به دوران اشکانی و آثار دیگری کشف شده است.
آنچه به اختصار برشمرده شد، تنها نمونه های کوچکی از آثار تاریخی در تنگه بلاغی و زمین های پیرامون آن است. در همین حال متاسفانه سید محمد بهشتی، رئیس پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی و گردشگری ایران، اخبار مربوط به غرق شدن پاسارگاد در زیر آب های سد سیوند را کذب محض خوانده است و افاضه فرموده که این اخبار ناشی از تلاش برخی افراد برای قرار دادن موضوع میراث فرهنگی در مناقشات سیاسی است!
سخن دقیق وی به نقل از تارنمای میراث فرهنگی (دوشنبه ۱۱ مهر ۱۳۸۴) به این شرح است: هم اکنون موضوع غرق شدن پاسارگاد در سد سیوند، ابزار مناقشات سیاسی قرار گرفته، یعنی اشخاصی که نام آشنایی داشته و به هر شکل، مشکلی با جمهوری اسلامی دارند، سعی می کنند تا از این طریق، به اهداف سیاسی خود جامعه عمل بپوشانند. این افراد نمی دانند که با این کارشان رسالتی به مراتب سنگین تر از غرق شدن پاسارگاد در سد سیوند به تاریخ و فرهنگ این مرز و بوم وارد می کنند! اگر از این افراد پرسیده شود که سد سیوند کجاست و یا پاسارگاد در کجا واقع شده است، نمی دانند! برای آن ها مهم این است که پاسارگاد در سد سیوند غرق شود و از این خبر به عنوان ابزار قرار دادن موضوع میراث فرهنگی در مناقشات سیاسی شان بهره ببرند!!

کارخانه فرش شویی تهران
ارایه یک سرویس خوب از ما، پشتیبانی شما از کار ما را در بر دارد
۰۸۰۱-۳۰۱ (۶۲۶) ۱

The Buy One Get One Free Sale You've Been Waiting for



Buy One Get One Free!

50.00

After mail-in rebate

Retail Price \$100.00
- Mail in Rebate \$50.00
Now Only \$50.00



New 2 year customer agreement required. While supplies last. Activation required on both phones. Rebate takes 8-10 weeks.

LG VX6100

1000

Local Anytime Minutes

Unlimited Nationwide Long Distance

Only \$39.99
monthly access

Plus

Get Unlimited Family Calling and share all of the above for \$20 monthly access per line when you add extra lines with our Family SharePlanSM option.

See verizonwireless.com for details. Offer not available in all areas. Activation required on all lines. Coverage not available everywhere. © 2005 Verizon Wireless

Switch to America's Best Wireless Network



3200 Wilshire Blvd.
Suite 1655 South Tower
Los Angeles, CA 90010
Tel: 213.381.3344



*Our Surcharges (incl. 2.13% Federal Universal Service (Varies Quarterly), 5¢ Regulatory & 40¢ Administrative/line/mo., & other by area) are not taxes (details: 1-888-684-1888; gov't taxes and our surcharges could add 6% to 33% to your bill. Activation fee/line: \$35 (\$25 for secondary Family SharePlan lines with 2-yr Agreements)).
IMPORTANT CONSUMER INFORMATION: Subject to Customer Agreement, Calling Plan, Get It Now Agreements, rebate form and credit approval. \$175 termination fee, 45¢/min after allowance, other charges & restrictions. Usage rounded to next full minute. Offers and coverage not available everywhere. America's Choice Coverage Area covers 291 million people. Network details, coverage limitations & maps at verizonwireless.com. Nights 9:01 pm - 5:59 am M-F. Rebate takes 8-10 weeks. Limited time offer. © 2005 Verizon Wireless See verizonwireless.com/bestnetwork.com for national network details.

جشنی پرشکوه به زیبائی مهرگان دروودلی پارک



صعود انگلیس پیش از مسابقه آخر هم با شکست اتریش و پیروزی هلند برابر چک در گروه اول، قطعی خواهد بود.
لهستان ۲۴
انگلیس ۱۹
اتریش ۱۲
ایرلند شمالی ۹
آذربایجان ۳
ولز ۲
**** گروه هفتم:**
صربستان و مونته نگرو در صورت پیروزی برابر لیتوانی و بوسنی مستقیماً صعود خواهد کرد اما اسپانیا، بوسنی و بلژیک همچنان در رقابت برای کسب مکانهای اول و دوم گروه هستند.
اگر بلژیک موفق به شکست اسپانیا شود و دیگر نتایج هم به نفع آن‌ها نباشد، برای نخستین بار از سال ۱۹۷۴ به جام جهانی راه خواهد یافت، با توجه به اینکه آخرین مسابقه این تیم برابر سن ماریانو است.
صربستان و مونته نگرو ۱۶
اسپانیا ۱۴
بوسنی ۱۳
بلژیک ۱۱
لیتوانی ۹
سن ماریانو ۰
**** گروه هشتم:**
مسابقه تیم دوم یعنی کرواسی و سوئد صدرنشین در صورت پیروزی سوئد، تکلیف این گروه را مشخص خواهد کرد.
کرواسی با پیروزی در این مسابقه با اختلاف دو امتیاز پیش از سوئد قرار می‌گیرد اما هنوز احتمال صدرنشینی سوئد در صورت شکست ایسلند و باخت کرواسی برابر مجارستان وجود دارد.
تیم دوم گروه نیز شانس صعود به عنوان یکی از دو تیم برتر دوم اروپا را دارد.
سوئد ۲۱
کرواسی ۲۰
مجارستان ۱۳
بلغارستان ۱۱
ایسلند ۴
مالتا ۲



یکشنبه گذشته گروه کثیری از عاشقان سنت های دیرین ایران زمین در پارک وودلی در منطقه ولی گردهم آمدند تا در کنار یکدیگر روز مهرگان را پاسدارند و با جشنی در خور این روز به یادماندنی با همیت و شکوه این روز تاریخی مهربانید بزنند که دیدیم حضور بیش از اندازه جوانانمان در کنار والدین خود بر اهمیت راه اندازی این جشن ملی افزود باعث غرور و افتخار گردید.
ترشده این جشن به اجراء آمد بگذاریم، نمی توانیم از تلاش شبانه روزی «رورتو» که در زمینه اعتلای فرهنگ و غنای سنت های کشورمان خستگی نمی شناسد یادی نکنیم که اگر دوندگی ها و پیگیری های اونبود این جشن نه تنها به زیبائی و آبرومندی برگزار نمیشد، بلکه این قافله از نخست لنگ میزد. چه بسا که اصلا به اجرا در نمی آمد. بهرحال جادار از تمامی کسانی که برای جشن مهرگان وودلی پارک ولی زحمت شبانه روزی کشیدند قدر دانی شود و هم والای روبرتوی عزیز که پرچم سه رنگ شیر خورشید نشان ایران را با افتخار در تمامی پارک به اهتزاز در آورده بود، مورد تحسین قرار گیرد

میترا ترابی

وکیل متخصص در امور ورشکستگی

از ۱۷ اکتبر سال ۲۰۰۵ قانون مربوط به ورشکستگی تغییر خواهد کرد و عدم آشنائی با قانون جدید ممکن است برای شما تعهدات مالی بیشتری ایجاد کند

15910 Ventura Blvd Suite 1110 Encino Ca 91436
www.brownsteinllp.com mt@brownsteinllp.com

اروپا در آخرین جدال برای حضور در جام جهانی

صعود انگلیس پیش از مسابقه آخر هم با شکست اتریش و پیروزی هلند برابر چک در گروه اول، قطعی خواهد بود.
لهستان ۲۴
انگلیس ۱۹
اتریش ۱۲
ایرلند شمالی ۹
آذربایجان ۳
ولز ۲
**** گروه هفتم:**
صربستان و مونته نگرو در صورت پیروزی برابر لیتوانی و بوسنی مستقیماً صعود خواهد کرد اما اسپانیا، بوسنی و بلژیک همچنان در رقابت برای کسب مکانهای اول و دوم گروه هستند.
اگر بلژیک موفق به شکست اسپانیا شود و دیگر نتایج هم به نفع آن‌ها نباشد، برای نخستین بار از سال ۱۹۷۴ به جام جهانی راه خواهد یافت، با توجه به اینکه آخرین مسابقه این تیم برابر سن ماریانو است.
صربستان و مونته نگرو ۱۶
اسپانیا ۱۴
بوسنی ۱۳
بلژیک ۱۱
لیتوانی ۹
سن ماریانو ۰
**** گروه هشتم:**
مسابقه تیم دوم یعنی کرواسی و سوئد صدرنشین در صورت پیروزی سوئد، تکلیف این گروه را مشخص خواهد کرد.
کرواسی با پیروزی در این مسابقه با اختلاف دو امتیاز پیش از سوئد قرار می‌گیرد اما هنوز احتمال صدرنشینی سوئد در صورت شکست ایسلند و باخت کرواسی برابر مجارستان وجود دارد.
تیم دوم گروه نیز شانس صعود به عنوان یکی از دو تیم برتر دوم اروپا را دارد.
سوئد ۲۱
کرواسی ۲۰
مجارستان ۱۳
بلغارستان ۱۱
ایسلند ۴
مالتا ۲



تیم اسرائیل شانس کمی برای قرار گرفتن در مکان نخست گروه دارد اما احتمال دومی این تیم با توجه به یک مسابقه باقی مانده برابر جزایر فارو هست.
سوئیس ۱۶
فرانسه ۱۶
اسرائیل ۱۵
ایرلند ۱۳
قبرس ۴
جزایر فارو ۱
**** گروه پنجم:**
ایتالیا با شکست یا تساوی برابر اسلوانی در صدر قرار خواهد گرفت.
نروژ و اسکاتلند در تلاش برای کسب جایگاه دوم هستند اما در این میان نروژ به دلیل دو مسابقه باقی مانده خود برابر تیمهای پایین گروه یعنی بلاروس و مولداوی شانس بیشتری دارد.
ایتالیا ۱۷
نروژ ۱۲
اسلوانی ۱۲
اسکاتلند ۱۰
بلاروس ۷
مولداوی ۵
**** گروه ششم:**
لهستان و انگلیس به ترتیب در مکانهای اول و دوم این گروه قرار خواهند گرفت اما انگلیس برای صدرنشینی باید دو مسابقه آخر خود را برابر اتریش و لهستان با پیروزی خاتمه دهد.
اگر لهستان در مکان دوم قرار گیرد، شانس بسیاری برای صعود مستقیم به جام جهانی به عنوان یکی از دو تیم برتر دوم اروپا خواهد داشت.

خبرگزاری رویترز با توجه به دو مسابقه باقی مانده فوتبال مقدماتی جام جهانی تیم ها در قاره اروپا در گزارشی به تشریح وضعیت گروه های این قاره پرداخته است.
این مسابقات روزهای ۸ و ۱۲ اکتبر برگزار خواهد شد تا تکلیف تیمهای صعودکننده به مرحله پایانی جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان مشخص شود.
**** گروه اول:**
هلند ۲۸ امتیاز با پیروزی برابر جمهوری چک به عنوان تیم نخست گروه صعود خواهد کرد. این تیم در صورت شکست برابر چک نیز می‌تواند با پیروزی در آخرین مسابقه خود مقابل مقدونیه به جام جهانی صعود کند.
رومانی که با ۲۲ امتیاز در مکان سوم قرار دارد با پیروزی برابر فنلاند در جایگاه دوم خواهد ایستاد.
جمهوری چک دو دیدار قبلی خود برابر هلند و فنلاند را واگذار کرده است.
کشور امتیاز
هلند ۲۸
جمهوری چک ۲۴
رومانی ۲۲
فنلاند ۱۶
مقدونیه ۸
آندورا ۵
ارمنستان ۴
**** گروه دوم:**
تا کنون صعود تیم اوکراین از این گروه مسجل شده است اما جدال برای ایستادن در مکان دوم بین ترکیه، یونان قهرمان اروپا و دانمارک ادامه دارد.
ترکیه یک مسابقه دیگر برابر آلبانی دارد. اما یونان می‌تواند در صورت پیروزی ترکیه نیز با شکست حریفان خود یعنی دانمارک و گرجستان در مکان دوم جای گیرد.
احتمال دومی دانمارک هم با

پرتغال باید برای حفظ صدرنشینی خود برابر لیختن اشتاین پیروز شود البته احتمال قرار گرفتن اسلواکی و روسیه در مکان نخست نیز در صورت پیروزی در دو مسابقه آخر خود و شکست پرتغال برابر لیختن اشتاین و لتونی وجود دارد.
پرتغال ۲۴
اسلواکی ۱۹
روسیه ۱۹
لتونی ۱۵
استونی ۱۴
لیختن اشتاین ۸
لوکزامبورگ ۰
**** گروه چهارم:**
فرانسه با شکست سوئیس به طور مستقیم به جام جهانی صعود خواهد کرد.
اما سوئیس در صورت پیروزی باید صدرنشینی منظر نتیجه دیدار ایرلند و قبرس باشد.

مجید جلالی: سرمربی پرسپولیس شد از شبیه با اختیار تام سر تمرینات می روم



مجید جلالی صبح دیروز به ملاقات پروین رفت و پس از ملاقات از توافقات به عمل آمده اظهار رضایت کرد.
مجید جلالی مربی سابق صباپارتی پس از گفت و گواولیه با پروین گفت: «حدود یک ساعت با پروین جلسه بسیار مثبتی داشتیم. در این جلسه تمام نقطه نظرات و دیدگاه هایم را گفتم و در بیشتر زمینه ها به توافق رسیدیم.»
جلالی درباره تفکیک وظایف مدیر فنی و سرمربی در باشگاه پرسپولیس می‌گوید: «به طور تفصیلی در این باره با پروین گفت و گو کردم و او نیز به طور کامل از مشخص شدن حد وظایف مدیر فنی و سرمربی حمایت کرد. پروین بسیار واضح و جدی در این باره صحبت کرد و گفته های او تمام نگرانی های مرا از بین برد. حتی درباره گزینش دستیاران در کادر فنی پرسپولیس نیز صحبت کردیم و به توافق نیز رسیدیم.»
جلالی در پاسخ به این سؤال که آیا توانایی اداره تیم پرسپولیس را دارید می‌گوید: «به امید خدا سعی می‌کنم تمرکز لازم را در میان بازیکنان این تیم بالا ببرم و حاشیه های موجود در این تیم را به حداقل برسانم. در این جلسه تمام نگرانی های موجود رفع شد و درباره قهرمانی تیم پرسپولیس نیز صحبتی به میان نیامد. استنباط من از این جلسه این بود که پروین بسیار مایل است که هر چه سریعتر پرسپولیس از وضعیت موجود خارج شده و به تیم ایده آل تبدیل شود.»
جلالی گفت: «از شبیه به کارگران خواهم رفت و با اختیار تام تمرینات پرسپولیس را زیر نظر خواهم گرفت.»

گرفتاری سربازی برای زندی در فرودگاه تهران



فقط ۴ روز می‌توانی در ایران بمانی این جمله ای بود که مسؤول کنترل گذرنامه ها در فرودگاه مهرآباد به فریدون زندی گفت.
طبق صحبت های او زندی به خاطر در اختیار گرفتن تابعیت ایران و عدم گذراندن خدمت سربازی دو بار در سال بیشتر نمی‌تواند به ایران بیاید.
مسأله ای که در صورت عملی شدن شرایط ویژه ای را برای او و تیم ملی به وجود می‌آورد. مأموران فرودگاه مهرآباد دوشنبه شب به زندی اخطار دادند که این بار فقط برای ۴ روز می‌تواند در تهران بماند در غیر این صورت وضعیت او در آینده به مشکل می‌خورد.
این در شرایطی است که مسافرت او این بار نزدیک ۶ روز طول می‌کشد. یعنی احتمال دارد که هنگام خروج از ایران فریدون با مشکل مواجه شود؟ شرایط او در آینده برای همراهی تیم ملی چطور می‌شود؟ موقعیت ویژه زندی وضعیت او را تا حدود زیادی مطلوب می‌کند. سردار عباسی معاونت نظام وظیفه در این رابطه به ایران ورزشی می‌گوید: «مشکل آقای زندی خیلی زود برطرف می‌شود. ما به خاطر شرایط ویژه ای که ایشان برای تیم ملی دارند با معافیت موافقت می‌کنیم. آقای زندی می‌تواند همین امروز مدارکشان را در اختیار ما بگذارند تا معافیتشان مراحل قانونی را پشت سر بگذارد.» طبق شنیده ها

دکتر طناز کاهن

جراح و متخصص زنان، زایمان و نازایی از دانشگاه شیکاگو

کلیه سرویس های پزشکی شامل آزمایش خون، آزمایش پوکی استخوان و جراحی های سرپایی در مطب انجام می شود

تلفن: ۶۷۷۵ - ۵۰۱ (۸۱۸)

آدرس: ۱۶۳۱۱ ونچورا بلوار، سوئیت ۱۰۸۰

Shir International

Majid Bangfi & Son's Company

خدمات ساختمانی و مدیریت آپارتمان بیلدینگ

انجام هر نوع کارهای ساختمانی داخل و خارج، بزرگ و کوچک

در هر نقطه از لس آنجلس با قیمت بسیار مناسب و کیفیت کار عالی با گارانتی صد درصد

Pager (۳۱۰) ۹۷۸-۳۱۶۰
Office (۳۱۰) ۶۴۴-۹۴۰۸
Cel (۳۱۰) ۶۷۸-۵۹۴۱

WWW.shir-international.com

محض اطلاع

گفته ها

محض اطلاع

شنیده ها

محض اطلاع

خواننده ها



در فستیوال تاتر لس آنجلس

اتفاق ساده ای نیست. در سوت و کور تاتری ایرانی این دیار، دو نمایشنامه ایرانی به زبان انگلیسی به روی صحنه می رود و با هنر پیشه های ایرانی و هنرمند نقش اول آن را "مری آپیک" ستاره همه تاترها به عهده دارد که او در آن ها نقشی اساسی داشته است. این بار "مری" با نمایش "زیر پوشش حجاب" و "قر" در فستیوال تاتر لوس آنجلس شرکت دارد. که هر دو

اثر دارای ویژگی های خاص سیاسی است. نمایشنامه "قر" از جمله اثر به یاد ماندنی پرویز صیاد و هنرمند نامدار است که آن را در سراسر جهان با ۱۴۰۰ اجرا به روی صحنه برده و با تحسین روبرو شده است. نمایشنامه "قر" در واقع یک "شلاق" است به پیک جامعه پار و پیرار و امروز ایران و به همین علت همیشه تازه و گویاست.

اکنون این نمایشنامه ترجمه شده و در لیست ۶ تاتر برگزیده فستیوال لوس آنجلس (از ۶ تا ۲۳ اکتبر - ۱۴ تا ۲۴ آبان ۱۳۸۴) به روی صحنه می رود و رل "صیاد" را یک هنرپیشه آمریکایی به عهده دارد با یک کارگردان برجسته به نام "جون کلیتم" اجرای این نمایشنامه می تواند پلی به سوی تاتر جهان باشد.

مسائل زنان مسلمان

نمایش دیگر "زیر پوشش حجاب" است که نوشته "مری آپیک" می باشد در چگونگی وضع زمان استبداد مذهبی که بخصوص بعد از ۱۱

سپتامبر، آمریکایی ها به طور جدی تری مسایل زن در کشورهای مسلمان توجه دارند، در این نمایشنامه دو هنرمند معروف تاتر، آپیک یوسفیان و داریوش ایران نژاد شرکت دارند و رقصنده هنرمند "بنفشه صیاد" در آن رقص صوفیانه را اجرا می کند که طراح آن "مری آپیک" است. این نمایشنامه را کارگردان سرشناس تاتر امریکا چون ریو را بروی صحنه می برد.

این دو نمایشنامه در طول این حدود سی روز دوشنبه تا پنجشنبه و جمعه و شنبه و یکشنبه ها چند بار بر روی صحنه می رود.

در کانون فیلم

چهل و یکمین برنامه "کانون فیلم زیر نظر حسن فیاد، با همکاری یاران "کانون فیلم" یکشنبه ۹ اکتبر ۲۰۰۵ (۱۷ مهر) ساعت ۶:۳۰ شب در کانون فیلم واقع در ۱۱۳۳۸ سانتا مونیکا بلوار، نبش خیابان کورینت دو بلاک غرب فری وی ۴۰۵، جنب رستوران کلاه فرنگی، با پارکینگ

ماجرای اتوبوسی!

همشهری ما کنار یک خانم چاق که دست بر قضا اهل وطن بود، نشسته بود و پس از خوش و بش پرسید: اسم



آقا لطفاً ساعت چنده...؟!
ده دقیقه مونده بظهر...!!

شما چیه؟ خانم گفت: غنچه! اینه که سعی کنید که شوهرتون مال همشهری ما گفت: ماشاءالله، شما اون بمونه! وایشین دیگه چی می شین!

اعلان فیمینستی!

در ستون نیازمندی های یکی از خانم گرم و سرد چشیده ای میگفت: روزنامه های سوند آگهی شده بود: به بهترین انتقام از زنی که شوهرتون رو از چنگتون در آورده و تصاحب کرده، یک زن نیازمندیم!

کلاسهای آمادگی امتحان REAL ESTATE

- آیا می خواهید که درآمد اضافی داشته باشید؟
- آیا میدانید که میتواید با حفظ شغل فعلی خود در زمینه وام و REAL ESTATE فعال باشید؟
مدرس: ALI MOORE
تلفن: ۸۸۱۱-۳۴۲- (۸۱۸) 66-87

داروخانه رسیدا
Reseda Pharmacy Inc.
۸۱۸
۷۰۸-۳۰۳۰ (سینا سابق)
دکتر میناسیان - دکتر آکویان
● تخصص در بیماری های قند و فشار خون
● تخصص در نسخه های ترکیبی و هورمونهای طبیعی
● انواع ویتامین ها و داروهای گیاهی
● کفش طبی و وسایل طبی و بهداشتی
● ارسال دارو به ایران
6900 Reseda Blvd Suite E Reseda Ca 91335
71-90 جنب شیرینی سرا

برای خرید و فروش املاک مسکونی در منطقه ولی حتماً با مهندس رابرت تیلیمی مشاور آگاه، با تجربه و دلسوز خود در Keller Williams Realty تماس بگیرید
19520 Nordhoff St. Northridge, Ca 91324
Tel: (818) 644-1024 (310) 770-4701
لطفاً برای مسائل وام و Refinance با خانم Carole با شماره (818) 636-0722 تماس بگیرید
Robert Telimi your dependable Realtor
Robert1@kw.com

Chez Golnaz Spa
یادتان باشد برای رفع خستگی روزانه و تجدید قوا، جایی بهتر از Chez Golnaz Spa در بوریلی هیلز نخواهید یافت
Chez Golnaz Spa به مدیریت گلناز شیرینی، در محیطی بهداشتی و کاملاً خصوصی خدمات فراوان از جمله ماساژ زیبایی پوست - آرایش دائمی - انواع Body Wrap و برنزه ساختن پوست را با استفاده از مواد صددرصد طبیعی به شما عرضه می کند
Chez Golnaz Spa در ۹۸۸۵ سانتا مونیکا بلوار در شهر بوریلی هیلز
(310) 277-9772
www.chezgolnazspa.com

تالار خانوادگی کاسپین
گروه هنری و فرهنگی کاسپین تقدیم می کند
The Finest in Persian Cul. in the World
ASPIAN
THE FINEST IN PERSIAN CUL. IN THE WORLD
ESTABLISHED 1980 811 E. 111 AVENUE
Tayla & LOTUS DANGERS

ماساژ توسط زیبای ایرانی مرسله
۳۰۵۲-۳۴۵- (۸۱۸)

رستوران بوگ سبز
با بهترین مواد غذایی آماده پذیرائی از میهمانان شما در رستوران و یاد منزل شماست
کیترینگ و دلیوری تا شعاع ۳ مایل مجانی
14929 Magnolia Blvd Sherman Oak, Ca 91403
(818) 386-9672

ELIZABETH SHAHJAHANIAN ATTORNEY AT LAW
دفتر وکالت الیزابت شاه جهانیان
اگر در موارد طلاق، جرائم جنائی و تصادفات مشکلی دارید همین امروز با خانم (الیزابت) تماس حاصل نمائید.
خانم الیزابت با پشتوانه جدی و سخت کوش و دلسوزی با اطمینان کامل از حقوق شما دفاع میکند
با همکاری آقای Don Desimon وکیل رسمی مشاوره اولیه رایگان
300E. MAGNOLIA SUITE 402 BURBANK, CA 91502
تلفن: (818) 840-1299

هر پنجشنبه و یکشنبه شب ها هنرمند برجسته کشورمان منوچهر چشم آذر به همراه هنرمند محبوب رویاخواننده خاطره ها هر جمعه و شنبه شب ها هنرمند برجسته کشورمان منوچهر چشم آذر به همراه هنرمند محبوب محمود صدائی در اوج باشعده باز سرشناس هالیوود Mike Wong و رقص بین المللی لیبلا و لوتوس
برای اطلاعات و رزرو جاد تالار خانوادگی کاسپین
949-651-8454

هیچ بستنی و پالوده ای، بستنی و پالوده گل و بلبل همیشه
آدرس: وست وود تلفن: ۲۱۲۱-۴۷۰۰ (۳۱۰) شعبه دوم ۱۱۶۲۸ سانتا مونیکا